

مجلة حقوقی، نشریة دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی
جمهوری اسلامی ایران
شماره بیست و هشتم، ۱۳۸۲، صص ۱۱۴ - ۶۱

اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری

منو تی. کامینگا

Menno T. Kamminga

مترجم: دکتر محمدجواد شریعت باقری*

پیشگفتار

شناخته شده‌ترین اصلی که دولتها صلاحیت کیفری دادگاههای داخلی خود را بر آن بنا می‌نهند اصل سرزمینی بودن جرائم است. این بدان معناست که دادگاههای داخلی يك کشور علی‌الاصول به جرائمی رسیدگی می‌کنند که در قلمرو آن کشور اتفاق افتاده است. با وجود این، اصول دیگری نیز در کنار اصل سرزمینی بودن جرائم در حقوق کشورهای مختلف و از جمله حقوق ما - یافت می‌شوند که با اجرای آنها صلاحیت دادگاههای داخلی برای

*. مدیرکل امور بین‌الملل قوه قضاییه.

رسیدگی به جرائمی که در قلمرو کشور دیگر اتفاق افتاده است توسعه می‌یابد. این موارد از جمله شامل وضعیتی است که متهم تبعه آن کشور است و یا اگر چنین نیست مجنی علیه یا زیان‌دیده تابعیت آن کشور را دارد و یا اینکه جرم علیه نظام یا نظامات داخلی آن کشور ارتکاب یافته است. به هر حال در همه این موارد لااقل وجهی از وجوه ارتباط جرم با کشور رسیدگی کننده وجود دارد.

اما مسأله صلاحیت جهانی، مسأله توسعه صلاحیت دادگاههای داخلی يك کشور برای رسیدگی به جرمی است که نه در قلمرو کشور رسیدگی کننده واقع شده است نه متهم تبعه اوست، نه مجنی علیه یا زیان دیده و نه جرم علیه آن کشور ارتکاب یافته است. به عبارت دیگر، جرم از جرائم مهم بین‌المللی است که نگرانی جامعه بین‌المللی را برانگیخته و دولتها می‌توانند بدون هیچیک از ارتباطات سابق‌الذکر به آن رسیدگی نمایند.

در کشور ما ماده ۸ قانون مجازات اسلامی پذیرفته است که:

«در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهود بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که به دست آید محاکمه می‌شود اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد».

بنابراین قانون مجازات اسلامی، اعمال صلاحیت جهانی توسط دادگاه‌های ایران را مقید به دو قید نموده است: اول این‌که؛ می‌بایست به موجب قانون خاص یا عهود بین‌المللی مقرر شده باشد که مرتکب در هر کشوری بدست آید محاکمه شود دوم آن‌که؛ لازم است که متهم در ایران دستگیر شود.

مسأله اعمال صلاحیت جهانی در سال‌های اخیر مباحثات و مشکلات عملی فراوانی را برانگیخته است؛ از جمله این‌که جرائم موضوع اعمال صلاحیت جهانی کدامند؟ قوانینی که در سال‌های اخیر در خصوص اعمال صلاحیت جهانی از مجاری قانونگذاری کشورهای مختلف عبور کرده است چه می‌گویند؟ سیر تحول و تطور حقوق

بين الملل كيفري به کدام سو ست؟ رابطه دادگاه هاي موجود يا در شرف تأسيس بين المللي با دادگاههاي داخلي كه به اعمال صلاحيت جهاني روي آورده اند چيست؟ آيا لازم است كه متهم در قلمرو دولت رسيدگي كننده يافت يا دستگير شود؟ اعمال صلاحيت جهاني در مورد مقامات كشورها با توجه به مصونيت سياسي آنها چگونه است؟ موضع حقوق بين الملل عرفي چيست و حقوق بين الملل قراردادي (معاهدات بين المللي) در اين زمينه چه ميگويد؟ مسأله ادله، عفو متهمين و جلوگیری از سوء استفاده سياسي از اعمال صلاحيت جهاني نيز از جمله اين مسائل است.

بايد خاطرنشان كرد كه اخيراً طرحي در مجلس شوراي اسلامي به تصويب رسيد^۱ كه در صورت تأييد شوراي نگهبان محاكم جمهوري اسلامي ايران براي رسيدگي به پاره اي از جنايات بين المللي به ويژه

۱. نك. به مشروح مذاكرات مجلس شوراي اسلامي، جلسه ۲۲۴، ۱۳۸۱/۲/۲۹، صفحه ۲۳ و بعد: «طرح نحوه رسيدگي به شكايات جنايات جنگي، كشتار جمعي و تعديات ناشي از رژيم هاي نژادپرست و ضدبشري».

نژادپرستی صلاحیت جهانی خواهند داشت. مطابق تبصره ۲ از ماده ۱ این طرح: «متهمین موضوع این قانون بدون در نظر گرفتن محل ارتکاب، تابعیت، اقامتگاه و حضور آنان در دادگاههای مزبور [دادگاههای جمهوری اسلامی ایران] محاکمه خواهند شد». بنابراین، این اولین باری است که قرار است دادگاههای ایران به جرائمی رسیدگی نمایند که هیچیک از ارتباطات سابقالذکر با کشور ایران را ندارد؛ این چیزی جز اعمال تمام و کمال صلاحیت جهانی در خصوص پاره‌ای از جرائم بین‌المللی نیست.

آنچه که در پی می‌آید ترجمه مقاله‌ای است تحت عنوان «اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری»^۲ که به قلم Menno T. Kamminga، استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه ماستریخت (هلند) به رشته تحریر درآمده و صفحات ۹۴۰ تا ۹۷۴ مجله Human Rights Quarterly سال ۲۰۰۱ را به خود اختصاص داده است.

2. Lessons Learned from the Exercise of Universal Jurisdiction in Respect of Gross Human Rights Offenses.

از میان ۱۳۵ پاورقی و ارجاعات مقاله، تنها برخی از آنها که به نظر مترجم ضروری رسیده ترجمه شده است، علاقمندان جهت تتبع بیشتر به ملاحظه اصل مقاله دعوت می‌شوند. در پاره‌ای موارد نیز مترجم توضیحاتی در پاورقی آورده که امید است خواننده را مفید و مقبول افتد.

و اینک متن مقاله:

۱- مقدمه

یک بازپرس بلژیکی به نام دامین واندرمیرش* در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ دستور دستگیری عبدالله یروودیانومباسی** وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک کنگو را امضاء نمود. وی در قرار خود خاطرنشان کرده بود که یروودیا مرتکب نقض جدي حقوق بشردوستانه بین‌المللی*** گردیده زیرا در ماه اوت ۱۹۹۸ اعضای گروه قومی توتسی را «مردمان پست» اعلام

*. Damien Vandermeersch.

**. Abdulaye Yerodia Ndongbasi.

***. International humanitarian law.

کرده و خواستار «ریشه‌کن کردن» آنان شده است. دولت کنگو در تاریخ ۱۷ اکتبر سال ۲۰۰۰ با طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه به این عمل بلژیکی واکنش نشان داد. در دادخواست دولت کنگو تصریح شده بود که اقدام قاضی بلژیکی دخالت در امور داخلی کنگو تلقی می‌شود و با مصونیت سیاسی وزیر امور خارجه آن کشور ناسازگار است. به‌علاوه کنگو در دادخواست خود از دیوان خواست تا با صدور دستور موقت مانع از اجرای حکم بازپرس بلژیکی شود.^۳

تلاش برای محاکمه وزیر امور خارجه کنگو در دادگاههای بلژیک در رابطه با جرائمی که در صورت وقوع، علیه اتباع کنگو و در کشور کنگو ارتکاب یافته است روشن‌ترین نمونه گرایش دستگاه‌های قضایی داخلی برای محاکمه کسانی است که مرتکب

۳. درخواست صدور دستور موقت در تاریخ ۸ دسامبر ۲۰۰۰ از سوی دیوان رد شد به این دلیل که چون متهم دیگر وزیر امور خارجه نیست موضوع فوری تلقی نمی‌شود. برای ملاحظه آن به پایگاه اینترنتی دیوان بین‌المللی دادگستری در آدرس زیر مراجعه شود :

<http://www.icj-cij.org.html>.

جرائم سنگین حقوق بشري شده اند.^۴ این مکانیسمی است که بر پایه نظریه صلاحیت جهانی تعبیه (Universal jurisdiction) شده است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که از زمانی که مشاور حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۹۸۶ بر این عقیده بود که صلاحیت جهانی «فاقد ارزش عملی» در مورد محاکمات مربوط به جرائم جنگی است تغییرات زیادی رخ داده است.^۵ در طی هفت سال گذشته، ده نفر از کسانی که در یوگسلاوی سابق و رواندا مرتکب جرائم سنگین حقوق بشري (شامل نسل‌کشی) شده

۴. اخیراً (در تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۰۲) دیوان بین‌المللی دادگستری رأی خود را در دعوی مطروحه صادر کرد. بررسی و تحلیل ماجرا و رأی دیوان نیازمند مقاله جداگانه‌ای است. معذک در اینجا یادآور می‌شود که دیوان در رأی خود نهایتاً دولت بلژیک را به دلیل صدور دستور دستگیری وزیر امور خارجه کنگو محکوم کرده است. دیوان به طور خلاصه بر این عقیده است که با وجود این‌که کنوانسیون وین مربوط به روابط دیپلماتیک تصریح به مصونیت وزیر امور خارجه ننموده است اما به موجب یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل وزرای امور خارجه مادام که در این سمت هستند از مصونیت سیاسی برخوردارند، چه نقض این مصونیت با ماهیت کار آنان مغایر است، بنابراین بلژیک با نقض این قاعده عرفی حقوق بین‌الملل، مرتکب نقض حقوق بین‌الملل شده است. رأی دیوان در پایگاه اینترنتی-icj.org موجود است. (مترجم)

5. Yves Sandoz, Penal Aspects of International Humanitarian Law, in International Criminal Law 209, 230 (M. Cherif Bassiouni ed., 1986).

بودند، در دادگاه‌های داخلی بلژیک، دانمارک، آلمان و سویس بر اساس صلاحیت جهانی به پای میز محاکمه کشیده شده‌اند. همچنین پرونده‌هایی بر همین اساس در کشورهای اتریش، فرانسه، هلند، سنگال، اسپانیا و انگلستان در رابطه با جرائمی که در چاد، شیلی، موریتانی، رواندا، سودان و یوگسلاوی ارتکاب یافته تشکیل شده است. به عبارت دیگر، اینک با گذشت دهها سال که از تولد اصل صلاحیت جهانی در متون معاهدات گذشته است، شاهد جان گرفتن اصل مزبور در صحنه جهان هستیم.

نگرانی عمومی و گسترده درباره جنایاتی که در قلمرو یوگسلاوی سابق و رواندا اتفاق افتاده است، اقتدار فزاینده دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مربوط به یوگسلاوی سابق (دادگاه یوگسلاوی) و رواندا (دادگاه رواندا) و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی از جمله عواملی هستند که به توسعه مفهوم صلاحیت جهانی کمک کرده‌اند. شمار فزاینده‌ای از دولت‌ها، چه در پاسخ به تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد که مطابق با فصل

هفتم منشور ملل متحد اتخاذ می‌نماید و چه در پاسخ به مقتضیات اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اقدام به تصویب قوانین و مقررات ویژه‌ای نموده‌اند تا بتوانند بر اساس صلاحیت جهانی، اشخاص را به پای میز محاکمه بکشانند. نمونه موفق محاکمات دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا الهام بخش و مشوق دولتها در انجام محاکمه در داخل کشورهاست.

با همه اینها، اجرای صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری مجموعه‌ای از مسائل حقوقی و مشکلات عملی را نیز در پی داشته است. هدف از این مقاله بررسی پرونده‌های مطرحه در کشورها، شناسایی مسائل و مشکلات موجود و در نهایت ارائه راه‌حلهایی برای پاسخ به آنهاست.

۲- صلاحیت جهانی چیست؟

به موجب اصل صلاحیت جهانی يك دولت می‌تواند و یا حتی موظف است تا در رابطه با پاره‌ای جرائم مهم، قطع نظر از محل وقوع آنها و صرفنظر از تابعیت مجرم یا

قربانی به جرم مزبور رسیدگی نماید. مقاله حاضر به مسأله صلاحیت قضایی به ویژه در خصوص اعمال صلاحیت کیفری از سوی دادگاههای ملی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری خواهد پرداخت. بنابراین از مسائل مربوط به اجرای احکام و همچنین اعمال صلاحیت در خصوص امور مدنی و جبران ضرر سخن به میان نخواهد آمد.^۶ اصطلاح «جرائم سنگین حقوق بشری»^۷ را برای بیان اختصاری پاره‌ای تخلفات مهم از حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر بین‌المللی - که به جرائم حقوق بین‌الملل توصیف شده است - بکار برده ایم.

با توجه به تعریف فوق‌الذکر، دادگاه‌هایی که پس از جنگ جهانی دوم تأسیس شد و معمولاً از آنها به‌عنوان نمونه‌هایی از اعمال صلاحیت جهانی یاد می‌شود - بجز يك يا دو استثناء - در حقیقت مشمول عنوان فوق‌الذکر نمی‌شوند.

۶. در ایالات متحده اصل صلاحیت جهانی برای جبران خسارات مدنی به موجب قانون Alien Tort Claims Act و همچنین قانون Torture Victim Protection Act با موفقیت‌هایی مورد عمل قرار گرفته است.
7. Gross Human Rights Offenses.

دادگاه‌های نظامی که در آلمان، ایتالیا، هلند و جزیره کواجالین تشکیل شد و به محاکمه مجرمان «غیراصلي» پرداخت عمومأً از اشاره صریح به مبنای حقوقی اعمال صلاحیت خود خودداری کرده‌اند. اما به هر حال این دادگاه‌ها معمولاً به جرائمی رسیدگی کرده‌اند که علیه اتباع کشورهای خود ارتکاب یافته است. بنابراین مبنای صلاحیت در این موارد اصل انفعالی تابعیت مجنی علیه^۸ بوده است. به‌ویژه در صورتی که فرض شود به‌موجب اصل مزبور می‌توان صلاحیت دادگاه‌ها را در مورد جرائم ارتکابی علیه اتباع دولت هم‌پیمان با دولت متخاصم نیز اعمال نمود.

۳- منطق اعمال صلاحیت جهانی

اصطلاح «صلاحیت جهانی» ظاهراً اولین بار از سوی Cowles در سال ۱۹۴۵ بکار رفته است. وی بر اساس بررسی جامعی که از عملکرد دولت‌ها در رابطه با راهزنان به‌عمل آورد چنین نتیجه گرفت که هر دولتی برای مجازات جرائم جنگی قطع نظر

8. Passive Personality Principle.

از تابعیت مجنی علیه، زمان ورود آن دولت به جنگ و یا محل ارتکاب جرائم دارای صلاحیت است. به نظر وی از آنجا که جرائم جنگی نظیر راهزنی و دزدی دریایی می‌بایست به عنوان جرائم علیه وجدان جهان متمدن و عموم ملتها تلقی شود منافع همه دولتها ایجاب می‌نماید که مرتکبان جرائم مزبور را مجازات نمایند.^۹

استدلال فوق‌الذکر هنوز به قوت خود باقی است. زیرا جامعه بین‌المللی با قبول این‌که پاره‌ای از جرائم مشمول صلاحیت جهانی است نشان می‌دهد که این جرائم آنقدر مخاطره‌انگیز است که می‌تواند به عنوان تهدیدی علیه نظام حقوقی بین‌المللی تلقی شود. اقتضای عدالت این است که برای مرتکبان چنین جرائمی نباید بهشت امن به وجود آید. دادگاههای داخلی کشورها و دادستان‌هایی که این مجرمان را به پای میز محاکمه می‌آورند در حقیقت نه به نمایندگی از سوی نظام حقوقی داخلی بلکه به نمایندگی از نظام حقوقی بین‌المللی عمل می‌کنند.

9. Willard B. Cowles, Universal Jurisdiction over War Crimes, 33 CAL. L. REV. 177(1945).

اعمال فزاینده صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری عکس‌العمل جهانی کوچکتر است که در آن زندگی می‌کنیم؛ جهانی که مردم آن احساس می‌کنند نه فقط با جرائمی که در قلمرو آنها یا علیه اتباع آنها اتفاق می‌افتد مورد توهین قرار گرفته‌اند بلکه ارتکاب جرائم دهشتناک در قلمرو کشورهای دیگر و علیه دیگران نیز به منزله خوار شمردن آنهاست. بدین لحاظ است که به‌زعم آنان دستگاه قضایی کشورشان باید مرتکبان این جرائم را به مجازات برساند.

دلیل دیگری که گاه برای توجیه اعمال صلاحیت جهانی آورده می‌شود اثر بازدارنده آن است. اما به‌رحال مانند سایر مواردی که در عدالت کیفری مطرح است در این مورد نیز نباید مبالغه کرد. در جریان جنگ دوم جهانی با وجود این‌که متفقین گفته بودند که قصد دارند مجرمین را «تا اقصی نقاط کره ارض»^{۱۰} تعقیب و آنان را به محکمه تسلیم نمایند قساوت‌های آلمانی‌ها همچنان استمرار

10. To the uttermost ends of the earth.

یافت. در سالهای اخیر نیز جرائم سنگینی در سطح گسترده در کوزوو اتفاق افتاد با این که دادستان دیوان بین‌المللی یوگسلاوی در نامه‌ای به رئیس‌جمهور میلوسویچ و سایر مقامات یوگسلاوی اعلام کرده بود که قصد دارد این جرائم را مورد تحقیق و تعقیب قرار دهد.^{۱۱}

بنابراین منطق محوری اعمال صلاحیت جهانی نه بازدارندگی آن که اجرای عدالت است. بعلاوه صلاحیت جهانی دارای این اثر جانبی است که دولتی را که جرم در قلمرو وی ارتکاب یافته است برای محاکمه کسانی که مرتکب جرائم سنگین حقوق بشری شده‌اند ترغیب می‌نماید. زیرا مقامات آن کشور ممکن است از اعمال صلاحیت جهانی در کشور دیگر شرمسار گردند همانگونه که بازداشت ژنرال پینوشه در انگلستان ظاهراً اثر مثبتی در مورد محاکمه پینوشه در شیلی داشته است.

آنچه که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت تنها اعمال صلاحیت

۱۱. نامه قاضی لوئیس آربور به رئیس‌جمهور میلوسویچ و سایر مقامات ارشد در:

ICTY press release JL/PIU/389-E, 26 Mar. 1999.

جهاني در خصوص جرائم سنگين حقوق بشري است، بنا بر اين شامل اعمال صلاحيت جهاني در مورد انواع جرائم تروريستي نخواهد شد. اين بدان دليل است كه عمل به اصل صلاحيت جهاني در موارد اخير مواجهه با مشكلات كمتر است. برخلاف جرائم سنگين حقوق بشري، دزدي دريائي و هواپيما ربايي كه مستلزم مخاطراتي براي اتباع همه كشورها است، بنا بر اين دولتها به تشويق كمتر براي محاكمه مرتكبان اين جرائم بر اساس صلاحيت جهاني نياز دارند.

۴- جرائم حقوق بشري كه در حوزه صلاحيت جهاني قرار مي‌گيرند

نقطه شروع مناسب براي شناسايي جرائم كه به موجب حقوق بين‌الملل در حوزه صلاحيت جهاني قرار مي‌گيرند مطالعاتي است كه كميسيون حقوق بين‌الملل^{۱۲} انجام داده است. كميسيون

۱۲. كميسيون حقوق بين‌الملل ركن فرعي مجمع عمومي سازمان ملل است و وظيفه مطالعه و ارائه توصيه در مورد حقوق بين‌الملل و تدوين آن را به عهده دارد. كميسيون داراي ۳۴ عضو است كه براي يك دوره ۵ ساله از سوي مجمع عمومي انتخاب مي‌شوند. در حال حاضر يكي از اعضاي كميسيون ايراني است. (مترجم)

مذبور در پیش‌نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشر که در سال ۱۹۹۶ تدوین نمود پیشنهاد کرده است که نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت، جرائم علیه سازمان ملل و کارکنان آن و جرائم جنگی در حوزه صلاحیت جهانی قرار گیرند.^{۱۳} به‌موجب این پیش‌نویس هر یک از دولتهای عضو باید هرکسی را که در قلمرو اوست و به یکی از جرائم مذکور متهم است به‌منظور محاکمه مسترد نماید. پیش‌نویس مذبور تعریفی از نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی ارائه ننموده است. اخیراً این مفاهیم به‌نحو دقیقی در مواد ۶ تا ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تعریف شده است. البته باید توجه داشت هدف از مقررات مواد مذکور تنها ارائه تعریف از جرائمی است که در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرند اما این فرضی منطقی است که تعاریف مذکور در اساسنامه همانگونه که نویسندگانی گفته است «مولود مشروع و مقبول و معتبر حقوق بشردوستانه

13. Draft Code of Crimes against the Peace and Security of Mankind, arts. 8,9,17,18,19 & 20, Report of the International Law Commission on the Work of its Forty-Eighth Session, U.N. Doc. A/51/10, par. 50.

بین‌المللی عرفی و حقوق کیفری است و بنابراین ممکن است به‌عنوان الگویی از سوی قوانین ملی کشورها به‌موجب اصل صلاحیت جهانی مورد تبعیت قرار گیرد».^{۱۴} علاوه بر این جرائم، شکنجه نیز اگرچه به‌عنوان جرم علیه بشریت احصاء نگردیده اما به‌موجب کنوانسیون سازمان ملل علیه شکنجه در حوزة صلاحیت جهانی قرار می‌گیرد.^{۱۵} ذیلاً بحث کوتاهی در مورد این چهار گروه از جرائم خواهیم داشت.

الف - نسلکشی

مادة ۶ کنوانسیون ۱۹۴۸ درخصوص نسلکشی مقرر نموده است که مرتکبان نسلکشی باید از سوی دادگاهی که جرم در حوزة آن ارتکاب یافته یا از سوی يك دادگاه کیفری بین‌المللی محاکمه شوند :
« اشخاص متهم به نسلکشی یا هر يك از اعمال دیگری که در مادة ۳ آمده است

14. Theodor Meron, Crimes under the Jurisdiction of the International Criminal Court, in Reflections on the International Criminal Court 47, 48 (Herman A.M. von Hebel, Johan G. Lammers & Jolien Schukking eds., 1999).

15. See generally Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, adopted 10 Dec. 1984, G. A. Res. 39/46, U.N. GAOR, 39th Sess., Supp. No. 51, U.N. Doc. A/39/51 (1985)(entered into force 26 June 1987).

باید از سوی دادگاه صلاحیتدار دولتی که جرم در قلمرو آن ارتکاب یافته است یا دادگاه کیفری بین‌المللی صلاحیتداری که دولتهای متعاقد صلاحیت آن را پذیرفته‌اند مورد محاکمه قرار گیرند»^{۱۶}.

کنوانسیون نسلکشی مقررات ویژه‌ای در مورد اعمال صلاحیت جهانی از سوی دادگاههای داخلی ندارد. اما همگان بر این نظرند که جرم نسلکشی به‌موجب حقوق بین‌الملل عرفی در حوزه صلاحیت جهانی قرار دارد. رویه دولتها در خصوص اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با نسلکشی مؤید این نظر است. در سالهای اخیر دادگاههای آلمان دو تبعه بوسنیایی صرب را به دلیل نسلکشی مسلمانان در بوسنی محکوم کرده‌اند.^{۱۷} دادگاههای استرالیا و سویس اخیراً اعمال صلاحیت جهانی را بر اساس اصل جهانی در رابطه با جرم نسلکشی تنها

16. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, adopted 9 Dec. 1948, 78 U.N.T.S. 277.

۱۷. نک. به پیوست مقاله.

به این دلیل رد کردند که قانونگذاری لازم در مورد آن وجود نداشت.^{۱۸}

ب - جرائم علیه بشریت

از مفهوم جرائم علیه بشریت تا مدتها تعریف معتبری وجود نداشت. اما اینک اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی این خلأ را پرکرده است. ماده ۶ اساسنامه شماری از اعمال را در زمره جرائم علیه بشریت دانسته است. از جمله آنهاست: قتل، ریشه‌کن کردن، به بردگی گرفتن، کوچانیدن یک جمعیت، حبس، شکنجه، تجاوز جنسی، تعقیب و آزار مداوم یک گروه، ناپدید شدن (اجباری) اشخاص و تبعیض نژادی «وقتی که این جرائم در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله» صورت بگیرند. در ارتکاب این جرائم وجود یا وقوع منازعه مسلحانه شرط نیست.

از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی چنین برنمی‌آید که دادگاههای داخلی می‌توانند در رابطه با جرائم مذکور

۱۸. نک. به پیوست مقاله.

صلاحیت جهانی اعمال نمایند. اما معمولاً چنین گفته می‌شود که به‌موجب حقوق بین‌الملل عرفی، اعمال صلاحیت جهانی مجاز است. اخیراً یک قاضی تحقیق در بروکسل اعلام نموده که ممکن است کسانی را که در خارج از بلژیک مرتکب جرم علیه بشریت شده‌اند بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی در بلژیک محاکمه کرد.^{۱۹} متعاقباً بلژیک قانونی را از تصویب گذراند که به‌موجب آن دادگاه‌های این کشور می‌توانند صلاحیت جهانی خود را در رابطه با جرائم علیه بشریت اعمال نمایند.^{۲۰}

ج - جرائم جنگی

جرائم جنگی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول مواردی است که می‌تواند تحت عنوان تخلفات مهم از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ مطرح شود.^{۲۱} از آن جمله است جرائمی که در

19. Juge d'instruction à Bruxelles, ordonnance 6 Nov. 1998, Revue de droit pénal et de criminologie 1999, 278, 288.

۲۰. نک. به پیوست مقاله.

۲۱. کنوانسیون‌های ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹:

۱- کنوانسیون ژنو مربوط به بهبود وضع مجروحین و بیماران نیروهای مسلح در میدان جنگ

هنگام منازعه مسلحانه بین‌المللی ارتکاب می‌یابند. جرائمی که در کنوانسیون‌های فوق‌الذکر به‌عنوان تخلف مهم تلقی شده شامل این موارد است: کشتار عمدی، شکنجه یا رفتار غیرانسانی و فراهم آوردن موجبات رنج عظیم. دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ژنو مکلفند قوانین لازم را برای امکان محاکمه افرادی که مرتکب جرائم مزبور شده‌اند قطع نظر از تابعیت آنان از مجاری قانونگذاری بگذرانند تا بتوانند ضمن جستجو و تعقیب مجرمین، در دادرسی کیفری مربوط به این جرائم با یکدیگر همکاری نمایند. به‌موجب این کنوانسیون اعمال صلاحیت جهانی نه یک

۲- کنوانسیون ژنو مربوط به وضع مجروحین، بیماران، غریقان و کشتی‌شکستگان نیروهای مسلح در جنگ‌های دریایی

۳- کنوانسیون ژنو مربوط به رفتار با اسیران جنگی

۴- کنوانسیون ژنو مربوط به حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ

اضافه می‌شود که دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۷۷ امضا شده است. پروتکل اول مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین‌المللی و پروتکل دوم مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه غیربین‌المللی است. ضمناً دولت ایران به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو پیوسته اما به پروتکل‌های الحاقی آن پیوسته است. (مترجم)

اختیار بلکه يك وظیفه برای دولت‌ها
محسوب شده است:

«هر يك از طرفین معظمین متعهد
مکلفند کسانی را، که متهم به ارتکاب
یا آمر به ارتکاب هر يك از تخلفات
مهم هستند، تحت تعقیب قرار داده و
آنها را از هر ملیتی که باشند تسلیم
دادگاههای خود نمایند. همچنین اگر
ترجیح دهند و با قوانین داخلی خودشان
هم مغایرتی نداشته باشد میتوانند
آنها را برای محاکمه به طرف متعهد
دیگری که ظاهراً پرونده‌ای در مورد جرم
تشکیل داده است به منظور محاکمه تسلیم
نمایند».^{۲۲}

گروه دوم از جرائم جنگی، تخلفات
مهم از ماده ۳ مشترك بین کنوانسیونهای
ژنو و تخلفات مهم دیگر از قوانین و
عرفهای قابل اجرا در منازعات مسلحانه
غیربین‌المللی است. این تخلفات به‌طور
سنتی به‌عنوان جرائمی که در حوزه صلاحیت
جهانی قرار می‌گیرند شناخته نشده است.

۲۲. ماده ۴۹ کنوانسیون یکم و ماده ۵۰ کنوانسیون دوم و
ماده ۱۲۹ کنوانسیون سوم و ماده ۱۴۶ کنوانسیون چهارم.

اما اکنون این گرایش رو به تقویت می‌رود که نظریه مزبور دیگر قابل دفاع نیست. بی‌رحمی‌هایی که در جریان منازعات مسلحانه در یوگسلاوی سابق و رواندا اتفاق افتاد آشکارا به دیدگاه اخیر کمک کرده است. شورای امنیت، دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا را به‌طور مشخص مأمور محاکمه مرتکبین جرائم مهم مذکور در ماده ۳ مشترک و پروتکل شماره ۲ نمود. به دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی اگرچه به‌طور مشخص چنین صلاحیتی اعطا نشده است اما دادگاه مزبور در پرونده تادیچ Tadic چنین حکم داده است که به‌موجب حقوق بین‌الملل عرفی تخلفات مهم از ماده ۳ مشترک قابل تعقیب بوده و دادگاه در رابطه با جرائم مذکور دارای صلاحیت است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به‌دقت تخلفات مهم قابل اجرا در منازعات مسلحانه داخلی را که در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد برشمرده است.^{۲۳} اکنون دشوار است که بفهمیم چرا دادگاه‌های داخلی نتوانند براساس صلاحیت جهانی به محاکمه

۲۳. ماده (ج) ۸(۲) و (ج) ۸(۲) اساسنامه.

این جرائم بپردازند. قطعنامه اخیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در خصوص وضعیت حقوق بشر در سیرالئون، خود مؤیدی بر این نتیجه‌گیری است. این قطعنامه که با یک رأی مخالف به تصویب رسید مقرر می‌نماید که رژیم صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم ارتكابي چه در منازعات مسلحانه بین‌المللی و چه در منازعات مسلحانه داخلی قابل اجراست تا آنجا که دولت‌ها نه فقط می‌توانند این صلاحیت را اعمال نمایند بلکه آنها می‌بایست مرتکبین تخلفات مهم در منازعه مسلحانه داخلی را تحت تعقیب قرار دهند. این نکته قابل توجه است که قطعنامه اصطلاح «تخلفات مهم»^{۲۴} را در رابطه با پاره‌ای جرائم ارتكابي در منازعات مسلحانه بین‌المللی و داخلی بکار برده است. کمیسیون:

«یادآوری می‌نماید که همه گروه‌ها و نیروها در سیرالئون که در هر منازعه مسلحانه، شامل منازعه مسلحانه‌ای که ویژگی بین‌المللی ندارد، گروه‌انگیزی،

24. Grave breaches.

قتل عمدی، شکنجه، یا رفتار غیرانسانی با افرادی که در درگیری‌ها شرکت فعال نداشته‌اند به‌عنوان تخلفات مهم حقوق بین‌الملل بشردوستانه تلقی می‌شود و همه کشورها تعهد دارند که متهمین به ارتکاب این جرائم یا آمرین به آنها را تحت تعقیب قرار دهند و این اشخاص را قطع نظر از تابعیت آنان در دادگاههای داخلی خود مورد محاکمه قرار دهند».^{۲۰}

فهرستی بلندتر از جرائم جنگی (که هم در منازعات مسلحانه بین‌المللی و هم منازعات مسلحانه داخلی قابل اجراست) در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به چشم می‌خورد. البته این روشن است که هدف از تعاریف مذکور در ماده ۸ تعریف جرائم جنگی به شرحی است که در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرد. اما می‌توان برآن بود که این مقررات به‌عنوان انعکاس موضع حقوق بین‌الملل عرفی نسبت به تخلفات حقوق جنگ تلقی می‌گردد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که

۲۰. قطعنامه شماره ۱۹۹۹/۱ مورخ ۶ آوریل و ۱۹۹۹ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد.

این جرائم در حوزه اصل صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند.

د - شکنجه

به موجب کنوانسیون سازمان ملل در مورد شکنجه، هر دولت عضو هرکس را که متهم به ارتکاب شکنجه است و در قلمرو او یافت می‌شود در صورتی که نخواهد وی را مسترد نماید، می‌بایست در دادگاه‌های داخلی خود محاکمه نماید.

«هریک از کشورهای عضو که شخص متهم به ارتکاب هر کدام از جرائم مذکور در ماده ۴ را که در قلمرو وی یافت شود در موارد مذکور در ماده ۵ چنانچه نخواهد وی را مسترد نماید می‌بایست به اتهام وی در مراجع صلاحیت‌دار رسیدگی نماید».^{۲۶}

بنابراین تعهد دولت‌ها محدود به اشخاصی است که در قلمروی آنها یافت می‌شوند و برخلاف کنوانسیون‌های ژنو شامل مواردی نخواهد بود که متهم در قلمرو

۲۶. کنوانسیون منع شکنجه، سابق‌الذکر.

یکی دیگر از دولتهای عضو یافت شود. دادستان باید با جرائم مذکور همان برخوردی را داشته باشد که در فرض وقوع در قلمرو وی خواهد داشت. از آنجا که دادستان از سوی نظام حقوقی بین‌المللی عمل می‌کند وقوع جرم در خارج از حوزه دادستان به صلاحیت وی آسیبی نمی‌رساند. دولتهایی که به کنوانسیون منع شکنجه نپیوسته‌اند بدون آن‌که ملزم باشند می‌توانند با استناد به حقوق بین‌الملل عرفی صلاحیت جهانی خود را در رابطه با شکنجه اعمال نمایند. دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی برایین نظر است که اختیار دولتها در تحقیق، تعقیب و مجازات یا استرداد اشخاصی که متهم به ارتکاب شکنجه هستند و در قلمرو آنها یافت می‌شوند یکی از نتایج امری بودن^{۲۷} قاعده مورد قبول جامعه جهانی است که به‌موجب آن شکنجه ممنوع اعلام شده است.^{۲۸} بنابراین کسانی که متهم به ارتکاب شکنجه در قلمرو دولتی هستند که عضو کنوانسیون منع شکنجه نیست، ممکن است

27. Jus cogens.

28. Prosecutor v. Anton Furundzija, ICTY, 10 Dec. 1998, par. 156, 38 I.L.M. 346 (1999).

بر اساس صلاحیت جهانی مورد محاکمه قرار گیرند. نمونه‌های آن محاکماتی است که اخیراً در انگلستان و فرانسه در مورد اتباع سودان و موریتانی به لحاظ ارتکاب شکنجه در سودان و موریتانی به راه افتاده است.^{۲۹} سودان و موریتانی هیچکدام عضو کنوانسیون منع شکنجه نیستند.

ه - سایر جرائم

اصل صلاحیت جهانی حسب طبع خود تنها در موارد محدودی می‌تواند اجرا شود. در حال حاضر شاید عاقلانه‌تر این است که به جای رجوع به فهرستی گسترده از جرائم، جرائمی را که آشکارا در حاکمیت حقوق بین‌الملل موجود قرار می‌گیرند مورد ملاحظه قرار دهیم. با وجود این شمار جرائمی که به موجب حقوق بین‌الملل در حوزه صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند روبه افزایش است. مثلاً ارتکاب «ربودن اشخاص» (در شرایطی که از جرائم علیه بشریت تلقی نشود) اخیراً به موجب کنوانسیون

۲۹. نک. به پیوست مقاله.

آمریکایی ناظر به ربودن اشخاص به عنوان جرمی تلقی شده است که در قلمرو صلاحیت جهانی قرار دارد.^{۳۰} این ابتکار منطقه‌ای در سطح جهانی مورد پذیرش قرار گرفته است. اعلامیه سازمان ملل در مورد حمایت از همه اشخاص در قبال ناپدید شدن اجباری متضمن مقرراتی در مورد اعمال صلاحیت جهانی در خصوص اشخاصی است که مسؤول ارتکاب چنین جرمی می‌باشند.^{۳۱}

ه - رابطه صلاحیت جهانی با دادگاههای کیفری بین‌المللی

صلاحیت دادگاه کیفری یوگسلاوی و دادگاه کیفری رواندا مقدم بر صلاحیت محاکم داخلی است. به این معنا که «دادگاه بین‌المللی می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی رسماً از دادگاههای ملی بخواهد که رسیدگی به موضوع را به دادگاه بین‌المللی واگذار نمایند».^{۳۲}

30. Inter-American Convention on the Forced Disappearance of Persons, signed 9 June 1994.

31. United Nations Declaration on the Protection of all Persons from Enforced Disappearance, U.N. GAOR Res. 47/133, art. 14, 18 Dec. 1992.

۳۲. ماده ۹ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری مربوط به یوگسلاوی و ماده (۲) ۸ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا.

البته مواردی پیش آمده است که دادگاههای داخلی از قبول تقدم صلاحیت دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی امتناع نموده‌اند. در مقابل، بسیاری از دادگاههای خارج از قلمرو یوگسلاوی سابق و رواندا که صلاحیت جهانی را پذیرفته‌اند تقدم صلاحیت دادگاههای بین‌المللی مذکور را پذیرفته‌اند.

اما رابطه بین دادگاههای داخلی و دیوان کیفری بین‌المللی متفاوت است. دیوان کیفری بین‌المللی برخلاف دادگاههای داخلی به خودی خود صلاحیت جهانی ندارد. در غیرصورتی که شورای امنیت وضعیتی را به دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی ارجاع نماید، دیوان مزبور تنها در شرایطی می‌تواند برای رسیدگی به جرم اعمال صلاحیت نماید که جرم در قلمرو دولتی که عضو اساسنامه است اتفاق افتاده باشد یا اینکه متهم تبعه یکی از دولتهای عضو اساسنامه باشد.^{۳۳} بنابراین دیوان کیفری بین‌المللی باید صلاحیت خود را براساس اصل سرزمین یا اصل تابعیت

۳۳. ماده (۲) ۱۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

متهم^{۳۴} اعمال نماید. این موضوع خلأ بزرگی را برجای خواهد نهاد که تنها از طریق اعمال صلاحیت جهانی از سوی دادگاههای داخلی می‌تواند پرشود. بر همین مبناست که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بر اهمیت رسیدگی محاکم داخلی تأکید می‌نماید. در مقدمه اساسنامه یادآوری شده است که «این وظیفه هر یک از دولتهاست که صلاحیت کیفری خود را در مورد کسانی که مسؤول جرائم بین‌المللی هستند اعمال نمایند». بدینگونه در واقع به محاکماتی که در خارج از قلمرو دولتی که جرم در آن واقع شده است به‌طور تلویحی ارجاع داده شده است. چه در مقدمه و چه در ماده ۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تصریح شده است که دیوان تکمیل‌کننده دادگاههای کیفری ملی است. دیوان تنها در صورتی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال کند که احراز نماید دولتی که صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد نمی‌خواهد یا نمی‌تواند به تحقیق و تعقیب موضوع پردازد. «دولتی که صلاحیت دارد»

34. Active personality principle.

ممکن است دولتهایی غیر از دولتی که جرم در قلمرو او واقع شده است باشد مثل دولتی که صلاحیت خود را براساس اصل صلاحیت جهانی اعمال می‌نماید. بررسی این‌که دولت موردنظر نمی‌خواهد یا نمی‌تواند به موضوع رسیدگی نماید، موجب خواهد گردید که فشاری از سوی دیوان کیفری بین‌المللی به مقامات دولت ذیربط وارد آید تا آنان را وادار به رسیدگی به موضوع نماید.

۶ - موانع اعمال صلاحیت جهانی

بررسی تطبیقی مواردی که علیه متهمان به ارتکاب جرائم سنگین حقوق بشری پرونده‌هایی تشکیل شده است نشان می‌دهد که موانعی چه نظری و چه عملی بر سر راه ایستاده است. پاره‌ای از این مشکلات ممکن است در هر پرونده کیفری حقوق بین‌الملل به وجود آید. از جمله آنهاست مسأله مرور زمان، مسؤولیت فرماندهی، دستور مقامات مافوق و مسائل مربوط به جنسیت. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی متنی است که اخیراً قواعد

حقوق بین‌المللی را که در این زمینه قابل اجراست تنظیم نموده است. اما پاره‌ای دیگر از مشکلات، ویژه محاکماتی است که براساس صلاحیت جهانی انجام می‌گیرند که آنها را در اینجا به‌نحو مفصل‌تری مورد بحث قرار خواهیم داد. این موارد شامل فقدان قانونگذاری مناسب، فقدان دستگاه تخصصی رسیدگی‌کننده، مصونیت‌ها، عفو، مسائل مربوط به ادله و ضعف نظارت بین‌المللی است.

الف - فقدان قانونگذاری مناسب

سابقاً در پرونده لوتوس^{۳۵} دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری گفته بود که

۳۵. ماجرای معروف Lotus مربوط است به برخورد کشتی مسافربری فرانسوی بنام لوتوس که در سال ۱۹۲۶ در دریای آزاد با کشتی زغال‌کش ترکیه برخورد نمود و در نتیجه آن ۸ نفر از خدمه کشتی ترک کشته شدند. پس از این‌که کشتی لوتوس در بندر قسطنطنیه پهلو گرفت مقامات ترکیه افسر نگهبان و ملوانان فرانسوی را دستگیر و سپس محاکمه و زندانی نمودند. دولت فرانسه شدیداً به این امر اعتراض کرد و مسأله - با توافق طرفین - به دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری ارجاع شد. به‌نظر دولت فرانسه، صلاحیت رسیدگی به موضوع تصادم به عهده دادگاههای فرانسه - به عنوان دولت صاحب پرچم - بوده و

سرزمینی بودن حقوق کیفری يك اصل مطلق حقوق بین‌المللی نیست. دیوان خاطرنشان کرد که هر يك از دولتها در پذیرش اصول اعمال صلاحیت کیفری و حقوقی به هر نحو که مناسب است آزادند مشروط به اینکه از حدودی که حقوق بین‌الملل در مورد صلاحیت آنها وضع نموده است تجاوز ننمایند.^{۳۶} اما دولتها در عمل تلاش کرده‌اند که محدودیت بیشتری را بپذیرند. مسأله اعمال صلاحیت جهانی بر مسائل کیفری بی‌تردید از این موارد است. دولتها همواره بی‌میلی خود را نسبت به اعمال چنین صلاحیتی بدون آن‌که حقوق بین‌الملل به‌طور مشخص چنین اجازه‌ای را به آنان داده باشد نشان داده‌اند. علاوه بر این، دادگاههای داخلی نیز نشان داده‌اند که در شرایطی که مقررات صریحی در قوانین داخلی صلاحیت جهانی را تجویز نمی‌نمایند تمایلی برای محاکمه اشخاص براساس صلاحیت جهانی ندارند. این نه تنها بدان خاطر

ترکیه صلاحیت رسیدگی به موضوع را نداشته است. دیوان اعتراض دولت فرانسه را نپذیرفت و دولت ترکیه را صالح برای رسیدگی کیفری دانست. (مترجم)

36. The case of the S.S. Lotus (France v. Turkey), Permanent Court of International Justice, 7 Sept. 1927, Ser. A, No. 10.

است که دادگاهها تمایلی برای مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر ندارند بلکه می‌خواهند که با اصل قانونی بودن جرم و مجازات در تعارض قرار نگیرند.

البته دولتها آزادند تا روشی را که می‌خواهند مطابق آن به تعهدات بین‌المللی خود عمل نمایند برگزینند. این وضعیت به آنها امکان می‌دهد تا مؤثرترین روش را در حقوق داخلی انتخاب نمایند. در این رابطه دو دیدگاه را می‌توان در عمل از یکدیگر تفکیک نمود. براساس دیدگاه اول قانون داخلی به شکل کلی مقرر می‌نماید که این جرائم در حوزه صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند، هرگاه دولت مزبور به موجب تعهد بین‌المللی موظف باشد که صلاحیت جهانی اعمال نماید. در این فرض کافی است که مقررات حقوق کیفری به کنوانسیون‌های موردنظر اشاره نمایند. نمونه‌هایی از این قانونگذاری را می‌توان در قوانین دانمارک، آلمان و سویس پیدا کرد. اما براساس دیدگاه دوم، می‌بایست قانونگذار داخلی جرائمی را که مشمول صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند بطور مشخص تعریف و تعیین

کرده باشد. نمونه این روش قوانینی است که در بسیاری از کشورهای مشترک المنافع در خصوص کنوانسیون‌های ژنو وضع و تصویب شده است.

هرکدام از این دو روش که برگزیده شود می‌تواند بحث انگیز باشد. روش اول دارای این امتیاز است که انعطاف‌پذیری زیادی دارد. توسعه و تحولات نوین حقوق بین‌الملل می‌تواند بدون هیچ نیازی به تغییر قوانین داخلی اجرا شود. اما عیب آن این است که مقامات قضایی داخلی ممکن است تمایلی برای اجرای مفاهیم حقوق بین‌الملل که با آن آشنا نیستند و به وضوح و صراحت در قوانین داخلی تعریف نشده‌اند نداشته باشند. براین اساس، دادگاه‌های داخلی نشان داده‌اند که تمایلی ندارند تا تخلفاتی نظیر جرائم علیه بشریت را که در حقوق بین‌الملل عرفی اجماً تعریف شده‌اند تعقیب نمایند. اما دیدگاه دوم با چنین مانعی مواجه نیست. مقامات داخلی براساس چارچوب حقوقی که مورد شناسایی آنهاست عمل

خواهند کرد. اما به هر حال اشکال این روش سختی و صعوبت آن است.

با توجه به این روشهای مختلف قانونگذاری، تعجب آور نیست که چرا تلاشهایی که برای ارائه قانون نمونه در خصوص حقوق بشر دوستانه بین المللی به عمل آمده موفق نبوده است. تلاشهایی که در این زمینه در کنگره بین المللی حقوق کیفری و کمیته بین المللی صلیب سرخ انجام شد نتوانست حمایت لازم دولتها را به خود جلب نماید و بدین ترتیب دیگر تلاشی برای پیشنهاد قانون نمونه انجام نگرفت. به نظر می رسد که تنها شمار اندکی از دولتها به موجب اصل صلاحیت جهانی به دادگاههای خود صلاحیت ویژه مربوط به محاکمه برخی از جرائم سنگین حقوق بشری را داده اند.^{۳۷} در این کشورها نیز

۳۷. براساس تحقیقی که اخیراً انجام شده است، اعمال صلاحیت جهانی در خصوص همه تخلفات مهمی که در کنوانسیون های ژنو آمده (که بیشترین موارد پذیرش اعمال صلاحیت جهانی را به خود اختصاص می دهد) فقط از سوی ۳۰ کشور پذیرفته شده است:

Richard van Elst, Implementing Universal Jurisdiction over Grave Breaches of the Geneva Conventions, 13 Leiden, J.Int'l. L. 815 (2000).

البته شمار این دولتها رو به افزایش است زیرا دولتها در حال تطبیق قوانین داخلی خود با اساسنامه دیوان کیفری بین المللی هستند.

قانونگذاری چندان هماهنگی وجود ندارد. مثلاً قوانین مربوط به اجرای کنوانسیون نسلکشی، امکان اعمال صلاحیت جهانی با تکیه به اصل مزبور را پیش بینی نکرده اند. دلیل این امر آن است که کنوانسیون نسلکشی صراحتاً دولتهای عضو را ملزم به این کار نکرده است. همچنین، فقدان مقررات معاهداتی درخصوص اعمال صلاحیت جهانی در مورد جرائم علیه بشریت و جرائمی که در هنگام منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی اتفاق می‌افتند نشان می‌دهد که چرا تنها شمار اندکی از دولتها مقرراتی وضع کرده اند که به موجب آن می‌توان در ارتباط با این جرائم به صلاحیت جهانی استناد نمود. به همین دلیل است که دادگاههای داخلی معمولاً به استناد این‌که در قوانین داخلی مبنای حقوقی کافی وجود ندارد از اعمال صلاحیت جهانی در مورد این جرائم سرباز می‌زنند. دادگاههای استرالیا، فرانسه و سویس از این نمونه اند.^{۳۸}

۳۸. نک. به پیوست این مقاله.

عجیب آن‌که قانونگذاری بعضی از دولتها که صلاحیت جهانی را پیش‌بینی کرده است برای این صلاحیت محدودیت مکانی و زمانی قائل شده‌اند. یعنی صلاحیت جهانی را در مورد جرائمی که در محدوده جغرافیایی معین و در مدت زمان مشخصی ارتکاب یافته پذیرفته‌اند. نمونه‌ای از این‌گونه قوانین، قانونی است که در سال ۱۹۹۱ در انگلستان به تصویب رسید و عنوان گمراه کننده «قانون جرائم جنگی» را دارد. به موجب این قانون تنها اتباع بریتانیایی یا اشخاص مقیم بریتانیا که مرتکب پاره‌ای جرائم جنگی در آلمان یا قلمرو اشغالی آلمان در دوران جنگ دوم جهانی شده‌اند قابل محاکمه هستند.^{۳۹} موارد معدودی پیش آمده است که مشمول این قانون شده باشد. نمونه دیگر قانونی است که در فرانسه تصویب شده و به موجب آن دادگاه‌های فرانسه می‌توانند صلاحیت جهانی را در رابطه با جرائم علیه بشریت و نسل‌کشی تنها در قبال جرائمی که در

39. War Crimes Act 1991, par. 1(Eng.). Australia has a similar law.

منازعات (اخیر) یوگسلاوی سابق و رواندا
اتفاق افتاده است اعمال نمایند.
بسیاری از دولتها نیز ضمن پذیرش
صلاحیت جهانی، قلمرو آن را محدود به
متهمینی نموده اند که در سرزمین آنها
یافت شوند.^{۴۰} در رابطه با شکنجه نیز
دولتهای عضو کنوانسیون منع شکنجه ممکن
است چنین تفسیری از ماده (۲) ۷
کنوانسیون داشته باشند. به هر حال، چنین
محدودیت‌هایی با مقررات مربوط به تخلفات
مهم از کنوانسیون‌های ژنو سازگار نیست
زیرا این کنوانسیون‌ها از دولتهای عضو
خواسته اند تا به تعقیب متهمین اقدام
نموده و آنان را - هر جا که باشند -
تسلیم دادگاه‌های خود نمایند. دادگاه‌های
آلمان از این فراتر رفته و محدودیت‌های
بیشتری را در نظر گرفته و برآنند که
برای اعمال صلاحیت می‌بایست رابطه‌ای بین
آلمان و متهم وجود داشته باشد (مثلاً
اقامت طولانی در آلمان یا ازدواج با
تبعه آلمان). این‌که گفته می‌شود اعمال
صلاحیت بدون چنین ارتباطی موجب دخالت در

۴۰. مثل ماده ۸ قانون مجازات اسلامی در ایران، مترجم.

امور داخلی دولتی است که جرم در قلمرو آن واقع شده، آشکارا تصور نادرستی است. چه به موجب حقوق معاهداتی و چه به موجب حقوق بین الملل عرفی، اعمال صلاحیت جهانی نسبت به مرتکبان نقض سنگین حقوق بشر به هیچ نوع ارتباط بین دولت رسیدگی کننده به جرم و متهم نیازی ندارد. بلژیکی راه اعطاء صلاحیت به مقامات قضایی داخلی برای محاکمه متهمینی که در آن کشور حضور ندارند را نشان داده است. مختصر این که تنها تعداد کمی از دولتها قوانینی مناسب برای اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری را دارند. تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین المللی موقعیت مناسبی به دولتها اعطاء کرده است تا قانونگذاری داخلی خود را مورد بازبینی قرار داده و اطمینان حاصل نمایند که دادگاههای آنها میتوانند صلاحیت جهانی را در رابطه با جرائم مذکور در اساسنامه اعمال نمایند.

ب - فقدان نهادهای تخصصی

تحقیق و تعقیب جرائم براساس صلاحیت جهانی به مهارتهای ویژه‌ای چه از نظر دانش تعقیب جرائم در خارج از کشور و چه دانش تخصصی کیفری بین‌المللی نیازمند است. این بدان معناست که واحدهای تخصصی بیانگر اراده سیاسی برای مبارزه با جرائم سنگین حقوق بشری — در هر جا که اتفاق افتد — باید تشکیل شود. کارکنان این واحدها باید علاوه بر تصدی تحقیقات در مورد جرائم بین‌المللی با دادگاههای کیفری بین‌المللی نیز در ارتباط باشند. این يك واقعیت است که واحدهای مربوط به جرائم جنگی که در استرالیا، کانادا و بریتانیا تشکیل شده‌اند در مورد تعقیب پرونده‌های جنگ دوم جهانی چندان موفق نبوده‌اند. اما این ضعف موفقیت بیشتر مربوط به مشکلات تعقیب جرائمی است که در ۵۰ سال پیش یا بیشتر اتفاق افتاده‌اند و نباید به‌عنوان دلیلی بر غیرمفید بودن نهادهای تخصصی محسوب شود.

ج - مصونیت‌ها

از آنجا که جرائم حقوق بشري بر حسب تعريف معمولاً توسط اشخاصي ارتكاب مي‌يابند که از سوي يك دولت يا با رضایت يا سکوت يك دولت عمل نموده اند، اين مسأله مطرح مي‌شود که آیا متهم به اين جرائم به دليل موقعیت و مقام رسمي از مسؤولیت کيفري معاف است يا خير. اين نکته که موقعیت رسمي افراد مانع مسؤولیت کيفري آنان در مورد جرائمی که در قلمرو حقوق بين‌الملل ارتكاب یافته نمی‌گردد به‌طور مشخص در منشور نورنبرگ^{۴۱} و اساسنامه‌هاي دادگاه کيفري يوغسلاوي سابق^{۴۲} و دادگاه کيفري رواندا^{۴۳} مورد تصريح قرار گرفته است. در کنفرانس رم که در سال ۱۹۹۸ اساسنامه ديوان کيفري بين‌المللي را تدوين نمود چنين مقرر گردید:

«سمت رسمي رئيس دولت، يك عضو دولت يا مجلس، نماينده انتخابي يا نماينده يك

۴۱. ماده ۷ منشور نورنبرگ.

۴۲. ماده ۷ اساسنامه دادگاه کيفري بين‌المللي يوغسلاوي.

۴۳. ماده ۶ اساسنامه دادگاه کيفري بين‌المللي رواندا.

دولت به هیچوجه يك شخص را از مسؤوليت
کيفري که به موجب اين اساسنامه بر عهده
دارد معاف نخواهد کرد. همچنان که
وجود سمتهاي مذکور به تنهائي علتني
براي تخفيف مجازات نخواهد بود».^{۴۴}

مقررۀ فوق‌الذکر البته مختص به
دادرسني‌هايي است که در ديوان کيفري
بين‌المللي انجام مي‌گيرد. در عين حال
دادگاه کيفري يوگسلاوي در مورد شکنجه
چنين مي‌گويد که قاعده مزبور يك قاعده
«بدون ترديد کاشف از حقوق بين‌المللي
عرفي»^{۴۵} است. بنا بر اين قاعده مزبور
ظاهراً در دادرسني‌هايي که در دادگاههاي
داخلي نيز انجام مي‌گردد قابل اجراست.
اين استدلالات اگرچه در مورد جرم شکنجه
عنوان مي‌شود اما مي‌توان برآن بود که
همان اصل در مورد ساير جرائم تابع
صلاحيت جهاني نيز قابل اجراست. در
حقيقت، به نظر مي‌رسد که مفهوم مصونيت
کيفري از جرائم موضوع حقوق بين‌الملل که
از سوي مقامات رسمي ارتکاب مي‌يابد، اعم

۴۴. ماده (۱) ۲۷ اساسنامه ديوان کيفري بين‌المللي.

45. Furundzija Judgment, ICTY, 10 Dec. 1998, par. 140, 38 I.L.M. 346 (1999).

از این‌که مرتکب اکنون نیز مقام رسمی باشد یا این‌که در گذشته دارای مقام رسمی بوده است، با این نظرکه جرائم سنگین حقوق بشری در قلمرو صلاحیت جهانی قرار دارند به شدت ناسازگار است. به همین دلیل است که قانون اخیر بلژیک صراحتاً مقرر نموده است که مصونیت مربوط به سمت رسمی اشخاص مانع از مسؤولیت کیفری آنان، در صورتی که مرتکب نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی شده باشند نخواهد بود.^{۴۶}

متأسفانه، نمی‌توان گفت که رویه دادگاه‌های داخلی در قبال پرونده‌هایی که اخیراً در این مورد مطرح شده است همگی از همین دیدگاه تبعیت می‌نمایند. مجلس اعیان بریتانیا در رأی مهمی که در پرونده پینوشه صادر نمود چنین ابراز داشت که به‌موجب قوانین بریتانیا رئیس سابق یک دولت که متهم به ارتکاب شکنجه است دارای مصونیت نیست. با وجود این تردیدی وجود ندارد که رؤسای دولت «شاغل

46. Loi relative à la répression des infractions graves de droit international humanitaire, art. 5(3), 10 Feb. 1999, Moniteur Belge, 23 Mar. 1999. English trans. In 38 I.L.M. 918(1999).

در پست» از چنین مصونیتی برخوردارند.^{۴۷} دیوانعالی کشور فرانسه در رأی مورخ ۱۳ مارس ۲۰۰۱ خود به همین مقدار اکتفا کرد که سرهنگ معمر قذافی را نمی‌توان در فرانسه به دلیل شرکت در انفجار هواپیمای فرانسوی در سال ۱۹۸۹ تحت تعقیب قرار داد به این دلیل ساده که رئیس دولت لیبی از مصونیت تعقیب برخوردار است.

د - عفو

یکی از مسائلی که هنوز سابقه قضایی برای آن یافت نشده اما ممکن است دیر یا زود مورد سؤال قرارگیرد این است که آیا دادگاههای داخلی دولتهای ثالث باید به عفوی که از سوی دولت سرزمینی صادر می‌شود ترتیب اثر بدهند یا خیر. چنین استدلال شده است که حقوق بین‌الملل صدور حکم عفو در مورد مرتکبین جرائم سنگین حقوق بشری را ممنوع می‌شمارد. اگر چنین چیزی درست باشد عفو

۴۷. در انگلستان به موجب قانون State Immunity Act رؤسای دولتها از مصونیت مطلق تعقیب برخوردارند. کمیته منع شکنجه از انگلیس خواسته است که این قانون را به منظور انطباق با کنوانسیون منع شکنجه اصلاح نماید :

U.N. Doc. CAT/C/SR.36, par. 11(27 Nov. 1998).

دولت سرزمینی کان لم یکن تلقی می‌شود و نمی‌تواند مانع دادرسی در کشور دیگر شود. رویه بین‌المللی به‌طور قابل ملاحظه‌ای، گرچه نه کاملاً قاطع، از این استدلال حمایت می‌کند. کمیته حقوق بشر در یکی از نظریات خود در خصوص عفو شکنجه براین عقیده است که این عفو «به‌طور کلی با وظیفه دولت‌ها در مورد تعقیب چنین اعمالی ناسازگار است».^{۴۸} مجمع عمومی سازمان ملل نیز اعلام نموده است که مرتکبین آدم‌ربایی نمی‌بایست از عفو بهره مند شوند.^{۴۹} کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر^{۵۰} براین عقیده است که قوانین مربوط به عفو که از تعقیب جرائمی نظیر قتل‌های سیاسی، شکنجه و آدم‌ربایی جلوگیری می‌کند با حق شکایت در مراجع قضایی ناسازگار است. به‌موجب ماده ۱۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی چنین عفو‌هایی می‌تواند نشانگر آن باشد که «آن دولت قصد ندارد یا نمی‌تواند تعقیب را

48. General Comment on art. 7; General Comment No. 20, U.N. GAOR, Hum. Rts. Comm., 44th Sess., U.N. Doc. CCPR/C/21/Rev.1/Add.3.

49. U.N. Declaration on the Protection of all Persons from Enforced Disappearance, art. 18.

50. Inter- American Commission on Human Rights.

به درستی انجام دهد». بنابراین چنین عفو‌هایی مانع از آن نمی‌شود که دیوان کیفری بین‌المللی پرونده را «قابل پذیرش» اعلام نماید.^{۵۱} در ژوئیه ۱۹۹۹، دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد که وی موافقتنامه صلح سیرالئون را امضاء خواهد کرد (ماده ۹ این موافقتنامه «عفو مطلق و بی‌قید و شرط و اعطاء مهلت به جنگ‌کنندگان و همکاران آنها در رابطه با هر عملی که به منظور نیل به اهدافشان مرتکب شده‌اند» را مجاز ندانسته است) مشروط به این شرط مهم که «عفو و گذشت نسبت به جرائم بین‌المللی نسل‌کشی، جرم علیه بشریت، جرائم جنگی و سایر تخلفات مهم از حقوق بشردوستانه بین‌المللی قابل اجراء نخواهد بود».

از سوی دیگر، رویه بین‌المللی در این مورد یکسان نیست. خود سازمان ملل نیز در مورد عفو مرتکبان جرائم سنگین حقوق بشری رویه ثابتی نداشته است. شاید يك رویه با اهمیت‌تر از سوی دولتها تصمیمی است که دادگاه قانون اساسی

51. Michael P. Scharf, The Amnesty Exception to the Jurisdiction of the International Criminal Court, 32 CORNELL Int'l L.J. 507(1999).

آفریقای جنوبی در مسأله AZAPO v. South Africa اتخاذ کرده است. دادگاه مزبور بر این نظر است که روند حقیقتیابی و آشتی در آن کشور که شامل عفو نیز می‌شود با حقوق بین‌الملل ناسازگار نیست و این قاعده است که مورد حمایت ادبیات حقوقی قرار دارد. گاه نیز به ماده (۵) ۶ پروتکل دوم کنوانسیون‌های ژنو استناد شده است که چنین مقرر می‌دارد:

«در پایان مخاصمات، مقامات می‌بایست تلاش کنند که گسترده‌ترین عفو را در مورد اشخاصی که در منازعات مسلحانه شرکت کرده‌اند یا آنان که به دلایل منازعات مسلحانه زندانی شده‌اند قطع نظر از محلی که در آن بازداشت شده‌اند اعطاء نمایند».^{۵۲}

همانطور که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ خاطر نشان نموده منظور از مقررات فوق‌الذکر این است که جنگ‌کنندگان نباید به دلیل اعمال مشروعی که در جریان

۵۲. پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹، در مورد حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه غیربین‌المللی، نگاه کنید به بند ۵ ماده ۶ پروتکل ۲.

مخاصمات مرتکب شده اند مورد مجازات قرار گیرند. ولی این بدان معنا نیست که به اشخاصی که مرتکب نقض حقوق بین‌الملل شده اند عفو داده شود.

در عین حال حتی اگر بپذیریم که لاقلاً پاره‌ای از انواع عفو با حقوق بین‌الملل ناسازگاری ندارد، نقطه محوری این است که در هر حال عفو فاقد اثر فراسرزمینی است. بنابراین عفو موجب نمی‌شود که الزامات معاهداتی یا عناوین دیگری که به موجب حقوق بین‌الملل عرفی وظیفه محاکمه جرائم سنگین حقوق بشری را به عهده دولت‌ها می‌نهد فاقد اثر تلقی شود. این موضوع بخصوص در مورد عفوهای پوششی که شامل عفو کننده نیز می‌شود مطرح است. شبیه به آنچه که آگوستوپینوشه قبل از ترک قدرت در مورد خود و همکارانش انجام داد. همین استدلال البته در مورد عفوهای مستحسن و پسندیده نیز جریان دارد. شبیه به آنچه که از سوی کمیسیون حقیقتیابی و سازش در آفریقای جنوبی اتفاق افتاد. این مسأله در عمل مشکلات مهمی در پی نداشته است. دادستان

که در مقام اخذ تصمیم نسبت به تعقیب متهم است می‌تواند با ملاحظه جدي بودن عفو نسبت به تعقیب یا عدم تعقیب متهم اتخاذ تصمیم نماید (با فرض این‌که به‌موجب کنوانسیون‌های ژنو یا کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل الزام به تعقیب متهم وجود نداشته باشد) همین‌طور دادگاه در هنگام صدور رأی می‌تواند عفو متهم در کشور سرزمینی را به‌عنوان عامل تخفیف مجازات مورد لحاظ قرار دهد.

نهایت این‌که در اجرای صلاحیت جهانی محاکمه متهمی که از عفو کشور سرزمینی بهره‌مند شده است در کشور دیگر مخالف با ماده (۷) ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نخواهد بود. زیرا تشریفات اعطای عفو معادل «تبرئه»^{۵۳} به مفهوم ماده اخیرالذکر نیست. بنابراین محاکمه متهم، مخالف با قاعده «عدم جواز محاکمه مضاعف»^{۵۴} که در آن ماده آمده است نخواهد بود. با وجود این‌که چنین فرض شده که رسیدگی کمیسیون‌های حقیقت‌سازش دارای ماهیت قضایی است، اما کمیته حقوق

53. Acquittal.

54. ne bis in idem.

بشر چنین نظر داده است که ماده (۷) ۱۴ مانع از آن نیست که همان جرم در کشور دیگر مورد رسیدگی قرار گیرد.^{۵۵}

ه - مسائل مربوط به ادله

یکی از بزرگترین مشکلات مربوط به محاکماتی که براساس صلاحیت جهانی انجام میشوند به اجرای عملی این محاکمات مربوط است. چگونه ممکن است دلایل لازم را برای محکومیت متهم در مورد جرائم ارتكابی در کشور دیگر بدست آورد؟ مقامات کشور محل وقوع جرم به این دلیل ساده که ممکن است در ارتكاب جرائم سهمی باشند ممکن است تمایلی برای معاضدت قضایی حتی در صورتی که الزام به آن داشته باشند از خود نشان ندهند. در پاره‌ای موارد ممکن است به این موضوع قویاً اعتراض نموده و فعالانه سعی در خنثی کردن تحقیقات داشته باشند. دادگاههای بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا با وجود این‌که از سوی شورایی امنیت پشتیبانی میشوند با مشکلاتی در

55. A.P. v. Italy, Comm. No. 204/1986, 2 Nov. 1987, U.N. Doc. A/43/40, at 242; See generally International Covenant on Civil and Political Rights, adopted 16 Dec. 1966.

مورد همکاری لازم از سوی مقامات دولتهای سرزمینی مواجه شده‌اند. مشکل دیگری که وجود دارد این است که شاهدان ماجرا غالباً در قلمرو دولتهای دیگر بسر می‌برند. حتی در صورتی که به آنان دسترسی نیز وجود داشته باشد ممکن است از بیم برخورد با خود یا خانواده آنان تمایلی به شهادت دادن نداشته باشند. به‌علاوه لازم است که اسناد بسیاری ترجمه شود. بنابراین انجام تحقیق براساس صلاحیت جهانی به‌نحو قابل ملاحظه‌ای گرانتر و وقت‌گیرتر از تحقیقات متعارف در قلمرو دولت سرزمینی است.

با ملاحظه مشکلات فوق، «اعلامیه سازمان ملل در مورد اصول همکاری بین‌المللی در بازداشت، دستگیری، استرداد و مجازات مجرمان جنایات جنگی و جرائم علیه بشریت» تصریح نموده است که دولتها باید در جمع‌آوری اطلاعات و دلایلی که به محاکمه اشخاصی که مرتکب جنایات جنگی و جرائم علیه بشریت شده‌اند با یکدیگر همکاری نمایند. بعضی از معاهداتی که صلاحیت جهانی را پیش‌بینی

نموده اند دولتهای متعاهد را موظف کرده اند که با یکدیگر در تحقیق و تعقیب این جرائم همکاری‌های قضایی داشته باشند. این مقررات مکمل معاهدات دوجانبه یا چند جانبه معاضدت قضایی در امور کیفری است که بین دولتهای مورد بحث در جریان است. فهرست مفیدی از انواع معاضدت‌های قضایی که در این زمینه مورد نیاز است در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ذکر شده است. این معاضدت‌ها شامل همکاری برای شناسایی افراد، مکان آنها، محل اشیاء، تحصیل دلیل، ابلاغ اسناد، معاینه محل، اجرای تحقیق و توقیف، تدارک سوابق و اسناد و حمایت از قربانیان و شهود خواهد بود.^{۵۶}

محدوده‌ای که دولتها درخواست‌های معاضدت قضایی را برای تحقیق و تعقیب جرائم سنگین حقوق بشری مورد پذیرش قرار می‌دهند شناخته شده نیست. اما یک بررسی کوتاه نشان می‌دهد که تا وضعیت مطلوب

۵۶. ماده (۱) ۹۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی؛ همچنین نك. به ماده ۲۹ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا.

فاصله زيادي باقي است. معاضدتهاي حقوقي دوجانبه معمولاً به اندازه كافي دشوار است. غالباً مذاكرات ظريفي لازم است كه نيازهاي يك مرجع قضايي بتواند با رويه مرجع ديگر پيوند برقرار نمايد. بيشتر احكام محكوميتي كه براساس صلاحيت جهاني صادر شده به استناد شهادت شاهداني بوده است كه در قلمرو دولت تعقيب كننده بوده اند بدون آن كه همكاري قابل توجهي از سوي مقامات دولت سرزميني به عمل آمده باشد. معاضدتهاي قضايي خارجي نيز كه انجام شده نه از طريق مقامات رسمي بلكه از طريق تماسهاي شخصي تحقيق كنندگان انجام شده است.

به جز موضوع معاضدتهاي قضايي، دولتها مي توانند اقدامات يكجانبه ديگري به منظور تسهيل تحقيقات وتعقيب جرائم سنگين حقوق بشري كه در خارج ارتكاب يافته است انجام دهند. به طور مشخص، روشهاي تحصيل دليل از خارج و روشهاي كاستن از استناد به شهادت مستقيم شفاهي مي تواند راهگشا باشد. براي نمونه يك قاضي تحقيق بلژيكي براي تحقيق در مورد

جرائم ارتكابي در رواندا گروههايي را به رواندا، توگو و غنا اعزام كرد.^{۵۷} [اعضاي] يك دادگاه سويسی به منظور معاینه محل وقوع جرم و جمع آوري و استماع شهادت شهودي که مایل یا قادر به سفر به سويس نبودند به رواندا عزیمت نمودند.^{۵۸} دادگاه کيفري بين المللي یوگسلاوي از شهادت نامه هاي کتبي و برقراري ارتباط ويدئويي به عنوان دليل در محاکمه استفاده نمود.^{۵۹}

برخي از اين پيشنهادات ممکن است به نظر حقوقدانان سنتي نوعي بدعت تلقي شود، اما به هر حال بايد به آنها خاطر نشان کرد که در کشورهاي کامن لا عملاً هيچ تعقيبي بر اساس صلاحيت جهاني موفق نبوده است. مهم ترين دليل اين مسأله آن است که اصول و قواعد حاکم بر ادله اثبات دعوي به ويژه در آنجا که تکیه بر شهادت نامه هاي کتبي است در اين کشورها محدوديت بيشتري دارند. به همین دليل

۵۷. نك. به پيوست مقاله.

۵۸. نك. به پيوست مقاله.

۵۹. نك. به قاعده ۷۱ و ۹۰ آئين دادرسي دادگاه کيفري بين المللي یوگسلاوي در آدرس زیر:

www.un.org/icty/basic.html.

است که به موجب گزارشی که در سال ۱۹۹۶ تحت نظارت وزارت کشور انگلستان تنظیم شد، آمده است که اعمال صلاحیت جهانی در بریتانیا تنها در صورتی ممکن است که مقررات مربوط به قابل پذیرش بودن ادله براساس آنچه در سطور فوق پیشنهاد شده است مورد بازنگری قرارگیرند.^{۶۰}

و- مؤثر نبودن نظارت بین‌المللی

يك عامل (اگر نگوئیم «مانع» با عنایت به توضیحات بندهای پیشین) کم‌کننده به توفیق نیافتن دولت‌ها در اجرای تعهدات بین‌المللی در رابطه با صلاحیت جهانی چه از منظر نظری و چه از منظر عملی فقدان نظارت نظام‌مند بین‌المللی است.

در میان معاهدات بین‌المللی ناظر به اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری تنها کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل است که بدنه نظارتی

60. UK Home Office Report, Steering Committee Report, Review of Extra-Territorial Jurisdiction 25 (July 1996).

خویش را معین نموده است.^{۶۱} متأسفانه، کمیته منع شکنجه در هنگام بررسی گزارش‌های اجرای کنوانسیون از سوی کشورهای عضو به مقررات صلاحیت جهانی مذکور در کنوانسیون چندان توجهی نکرده است.

درحالی که کمیته مزبور مرتباً نیاز به تدوین قوانین را مورد توجه قرار می‌دهد، سالهاست که توجه اندکی به اجرای عملی این قانونگذاری در موضوعات فردی مبذول نموده است.^{۶۲} تنها بعد از ماجرای ژنرال پینوشه که در سال ۱۹۹۸ در انگلستان دستگیر شد کمیته توصیه نامه مهمی در رابطه با اجرای عملی اعمال صلاحیت جهانی در یک مورد معین صادر نمود:

۶۱. با وجود این که کنوانسیونهای ژنو فاقد بدنه نظارتی هستند، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از طریق بخش خدمات مشورتی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، کارهای مفیدی به منظور کمک به دولتهای عضو برای پذیرش قوانین مناسب در زمینه صلاحیت جهانی ارائه نموده است.

۶۲. تنها در دو مورد کمیته از دولتهای عضو سؤال کرده است که چرا با توجه به مقررات صلاحیت جهانی در کنوانسیون اقدام به تحقیق (و تشکیل پرونده) نکرده‌اند. این دو مورد مربوط است به سؤال از هلند در رابطه با سفر ژنرال پینوشه در سال ۱۹۹۴ به آن کشور و کلمبیا در مورد اقامت ژنرال آوریل ...

صلاحیت جهانی در رابطه با ... ❖ ۱۱۹

«نهایتاً کمیته توصیه می‌نماید که در موضوع سناتور پینوشه از شیلی، مسأله به اداره دادستانی عمومی به‌منظور بررسی امکان دادرسی کیفری در انگلستان ارجاع داده شود. مشروط به اینکه تصمیم به استرداد وی گرفته نشود. اینکار پاسخگویی تعهدات دولت در اجرای مواد ۴ تا ۷ کنوانسیون و ماده ۲۷ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ درخصوص حقوق معاهدات است».^{۶۳}

اگر کمیته موضع تهاجمی‌تری درخصوص صلاحیت جهانی اتخاذ می‌نمود مفید بود. مثلاً می‌توانست به‌عنوان «دیدگاهی کلی» چنین مقرر نماید که صلاحیت جهانی فقط در قانون پذیرفته نشده است بلکه باید مورد عمل نیز قرار گیرد و دولتهای عضو باید در تحقیقات مربوط به پرونده‌ها با یکدیگر همکاری‌های قضایی متقابل داشته باشند.

همانگونه که در سطور فوق خاطر نشان گردید تصمیمات شورای امنیت در خصوص

63. U.N. Doc. CAT/C/SR. 360 at 5 (19 Nov. 1998).

تأسیس و حمایت از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا حرکت قابل توجهی به‌سوی اجرای اصل صلاحیت جهانی است. براساس این تصمیمات، از دولتها خواسته شده است اشخاصی را که متهم به ارتکاب جرائمی که در صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا هستند به دادگاه مربوطه تسلیم نمایند یا آنها را در محاکم داخلی خود محاکمه کنند. مثلاً شورای امنیت در قطعنامه شماره (۱۹۹۵) : ۹۷۸

«از دولتها می‌خواهد که براساس قوانین ملی خود و استانداردهای حقوق بین‌الملل اشخاصی را که در قلمرو آنها یافت می‌شوند و دلایل کافی علیه آنان موجود است که مسئولیت اعمالی را به عهده دارند که در صلاحیت دادگاه بین‌المللی روانداست و پرونده تعقیب علیه آنها در دادگاه بین‌المللی رواندا یا نزد مقامات ملی صلاحیتدار تشکیل شده است را دستگیر و بازداشت نموده و به دادگاه بین‌المللی رواندا

صلاحیت جهانی در رابطه با ... ❖ ۱۲۱

تسلیم نمایند یا در دادگاههای داخلی

صالح خود محاکمه کنند».^{۶۴}

با وجود این شورای امنیت در موارد دیگر به طور مشخص به اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری دعوت ننموده است. مثلاً در قطعنامه شماره (۱۹۹۹) ۱۲۶۴ در مورد تیمور شرقی شورای مزبور در عبارات کلی تنها به این اکتفا کرده است که مسئولین اعمال خشونت‌آمیز در تیمور شرقی به دست عدالت سپرده شوند. بنابراین مفیدتر خواهد بود چنانچه شورای امنیت از دولتها مصرأً بخواهد که در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری که در کشورهای خاصی ارتکاب می‌یابند صلاحیت جهانی اعمال نمایند و این احتمالاً می‌تواند به عنوان اولین گام به منظور ارجاع وضعیت به دیوان کیفری بین‌المللی لحاظ گردد. همچنین مفید خواهد بود چنانچه شورای امنیت در فقدان روند نظارت معاهداتی، خود نقش نظارتی را نیز به عهده گیرد. در گزارشی که اخیراً از

64. S.C. Res. 978(1995), U.N. SCOR, 3504th mtg., par. 1, U.N. Doc. S/RES/978(1995).

سوی شورای امنیت منتشر شده دبیرکل به شورا پیشنهاد نموده است که چنین نقشی را هم در ارتباط با قانونگذاری داخلی و هم در خصوص امر تعقیب کیفری به عهده بگیرد. دبیرکل توصیه کرده است که شورا: «از کشورهای عضو بخواهد قوانین لازم به منظور تعقیب اشخاصی که مسؤول نسلکشی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی هستند را از تصویب بگذرانند. دولت‌های عضو می‌بایست اتباع خود و یا اشخاصی را که در قلمرو آنها بسر می‌برند و مرتکب تخلفات مهم (نقض جدی) حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده‌اند براساس اصل صلاحیت جهانی تعقیب کیفری نمایند و گزارش کار را به شورای امنیت تسلیم کنند».^{۶۰}

۷- جلوگیری از سوء استفاده از صلاحیت جهانی

۴۵. گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد به شورای امنیت در مورد حمایت از غیرنظامیان در منازعات مسلحانه: U.N. Doc. S/1999/957, 8 Sept. 1999.

اعمال صلاحیت جهانی از منظر کسانی که در موضع دفاع قرار می‌گیرند متضمن مشکلاتی است که شایسته بررسی دقیق است. اولین مسأله این است که تصمیم به انجام دادرسی براساس صلاحیت جهانی ممکن است مورد اعتراض قرار گیرد. دولتهایی که براین اساس اعمال صلاحیت می‌کنند ممکن است متهم به امپریالیسم قضایی شوند. چه صلاحیت جهانی ظاهراً فقط از سوی دولتهای قدرتمند در مورد جرائم ارتكابي در قلمرو دولتهای ضعیف اعمال می‌شود. يك نگاه اجمالی به مواردی که در پیوست این مقاله خلاصه شده ممکن است این اتهام را تأیید نماید. در غالب مواردی که صلاحیت جهانی اعمال شده است دولتهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) به جرائم ارتكابي در خارج از قلمرو این دولتها رسیدگی کرده‌اند.^{۶۶} از سوی دیگر تعهدات بین‌المللی درخصوص تعقیب جرائم سنگین حقوق بشری براساس صلاحیت جهانی نسبتاً صریح است و در معاهداتی که به‌طور گسترده مورد تصویب دولتها قرار گرفته

۶۶. اما نگاه کنید به پیوست در مورد جریان دادرسی در سنگال علیه هابره رئیس‌جمهور سابق چاد.

است وجود دارد. این وضعیت ممکن است علیه دولتهایی که می‌خواهند به تعهدات بین‌المللی خود عمل کنند بکار گرفته شود به‌ویژه در شرایطی که بخواهند اتباع خود را که متهم به ارتکاب این جرائم هستند محاکمه نمایند. با وجود این، نگرانی‌هایی در مورد رعایت عدالت در محاکماتی که در خارج از کشور محل وقوع جرم انجام می‌شود وجود دارد. همچنین محاکمه اشخاصی که ممکن است زبان و فرهنگ کشوری را که در آنجا محاکمه می‌شوند ندانند و نشناسند. بنابراین باید تأکید کرد که مثل هر متهم دیگر، متهمینی که براساس صلاحیت جهانی محاکمه می‌شوند می‌بایست از استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی بهره‌مند شوند و از هرگونه بی‌عدالتی احتراز شود. به این دلیل است که معاهداتی که صلاحیت جهانی را پیش‌بینی نموده‌اند تلاش دارند تا مقررات ویژه‌ای برای حق محاکمه عادلانه اشخاص که براین اساس به محاکمه کشیده شده‌اند مقرر نمایند.^{۶۷} عنایت ویژه‌ای به

۶۷. ماده ۴۹ کنوانسیون شماره ۱ ژنو، ماده ۵۰ کنوانسیون شماره ۲ ژنو، ماده ۱۲۹ کنوانسیون شماره ۳

مسأله حق متهم براي ترجمه، حق داشتن وکیل، حق حمایت کنسولي به موجب کنوانسيون وين مربوط به روا بط کنسولي معمول گردیده است. مقامات دادستاني و دادگاهها بايد نسبت به اختلافات فرهنگي و مسائل جنسيت حساسيت داشته باشند. مثلاً عدم تمايل زنان در بعضي از فرهنگها به ادای شهادت در مورد تجاوز جنسي در شرايطي که مورد تجاوز قرار گرفته اند ممکن است موجب رد موضوع از سوي آنان شود. متهمان بايد از سوي دادگاههاي غيرنظامي محاکمه شوند. سياست بعضي از دولتها مبني بر محاکمة جرائم سنگين حقوق بشري در دادگاههاي نظامي مسائلي در مورد رعايت عدالت در اين دادگاهها را برمي انگيزد. نهايتاً خاطر نشان مي کنيم که متهمان نبايد به مجازات اعدام محکوم شوند.^{۶۸}

ژنو و ماده ۱۴۶ کنوانسيون شماره ۴ ژنو؛ کنوانسيون منع شکنجه (ماده ۸).

۶۸. مقایسه کنید با ماده ۷۷ اساسنامه ديوان کيفري بين المللي، ماده ۲۴ اساسنامه دادگاه کيفري بين المللي يوگسلاوي، ماده ۲۳ اساسنامه دادگاه کيفري بين المللي رواندا.

۸ - ملاحظات پایانی و جمع‌بندی

اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری نمادی مؤثر در مورد استمرار جهانی شدن دادرسی کیفری است. این بدان دلیل است که در پرونده‌های صلاحیت جهانی - مثلاً مواردی که نمی‌توان به‌طور همزمان اصل حمایت از تبعه و اصل جرائم علیه کشور را اعمال نمود - مقامات قضایی از سوی نظام حقوقی داخلی خود عمل نمی‌کنند بلکه به نمایندگی از سوی نظام حقوقی جهانی اقدام می‌نمایند. این درحالی است که انتظار می‌رود چنین امری از سوی نهادهای بین‌المللی که برای این منظور تأسیس شده‌اند - مثل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی - انجام شود. برخورد نهادهای داخلی به‌منزله عامل بازدارنده عمل می‌نماید.

اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری مشکلات حقوقی و عملی زیادی را برانگیخته است که تفوق بر آنها چندان آسان نیست. اما تجربه نشان می‌دهد که این کار شدنی است. درست

است که مجلس اعیان انگلیس به‌سختی
توانست بر مسائل پیچیده حقوق بین‌الملل
که در پرونده پینوشه مطرح شد فائق آید،
اما دادگاه‌های سایر کشورهای اروپایی
غربی نشان داده‌اند که از عهده تبیین
مفاهیم حقوقی مشکلی نظیر جرم نسل‌کشی و
تفاوت بین منازعات مسلحانه بین‌المللی و
غیر بین‌المللی که چندین دهه نویسنده‌گان
و دیپلمات‌ها را دچار ابهام نموده بود
به‌خوبی برآمده‌اند. پرونده‌هایی که در
این رابطه مطرح شده به توسعه حقوق
بین‌الملل در این زمینه کمک‌های شایانی
کرده است.

دولتهایی که ادعا می‌کنند که نسبت
به اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با
جرائم سنگین حقوق بشری جدی هستند باید
ترتیباتی اتخاذ نمایند که قانونگذار
داخلی بطور مشخص به دادگاه‌های داخلی
اجازه اعمال صلاحیت جهانی را در رابطه
با جرائم تعریف شده در اساسنامه دیوان
کیفری بین‌المللی، قطع نظر از محل وقوع
جرم، زمان آن یا مرتکبین این جرائم
اعطا نماید. زمان مناسب برای این کار

وقتي است که آنان قوانین خود را برای تطبیق با اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مورد بازنگری قرار می‌دهند. آنان می‌بایست توجه کنند که قوانین مربوط به دادرسی مانع از انجام محاکمات موفق براساس صلاحیت جهانی نشود. مثلاً اعتبار شهادتنامه‌های کتبی را محدود کنند. به علاوه به‌منظور بدست آوردن دانش تخصصی در حقوق (کیفری) بین‌المللی و معاضدت‌های قضایی مورد نیاز، ملاحظه جدی به‌منظور تأسیس واحدهای تحقیق و تعقیب که وظیفه ارتباط با دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و سایر دادگاه‌ها را به‌عهده داشته باشد می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

شایع‌ترین سؤالی که در مورد صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری مطرح می‌شود این است که آیا این اعمال صلاحیت الزامی است یا اختیاری. پاسخ مختصر این است که دولتهای عضو کنوانسیون‌های ژنو و کنوانسیون سازمان ملل در مورد منع شکنجه، اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با تخلفات مهم و شکنجه

را الزامي نموده اند. به علاوه به موجب حقوق بين الملل عرفي دولتها مي توانند صلاحيت جهاني را در رابطه با نسل کشي، جرائم عليه بشريت، جرائم جنگي و شکنجه اعمال نمايند.

نبايد از اعمال صلاحيت جهاني در مورد جرائم سنگين حقوق بشري و اهمه داشت. طبيعي است که دولتهاي محل وقوع جرم نسبت به اين کار عکس العمل نشان دهند زيرا چنين وضعيتي نشان ضعف آنها در اجرائي تعهدات بين المللي است. به همين دليل تعجب آور نيست که شيلي به بازداشت پينوشه در انگلستان اعتراض نمود و موريتاني متعاقب دستگيري يکي از نظاميان آن کشور در فرانسه همکاريهاي نظامي خود را با فرانسه قطع کرد و محدوديتهاي صدور رواديد برقرار نمود. همچنين کنگو در واکنش به دستور دستگيري وزير امور خارجه آن کشور از سوي بلژيک از آن دولت به ديوان بين المللي دادگستري شکايت کرد. با توجه به اين واکنشهاي نيرومند، بعيد است که دادستانها در اعمال صلاحيت جهاني

نسنجیده عمل نمایند. یکی از دلایل کلیدی مخالفان صلاحیت جهانی امکان سوء استفاده از آن است. در حقیقت بررسی پرونده‌هایی که در این مقاله به آنها اشاره شد نشان می‌دهد که دلیلی برای تحقیق و تعقیب بی‌دلیل یا سیاسی وجود نداشته است.

پیوست موارد اعمال صلاحیت جهانی

استرالیا:

قانون جرائم جنگی مصوب سال ۱۹۴۵ که در سال ۱۹۸۸ مورد بازنگری قرار گرفته است چنان محدودیتهایی در نظر گرفته است که مشکل بتوان از آن به عنوان نمونه‌ای از قوانین مربوط به اعمال صلاحیت جهانی یاد کرد. قلمرو این قانون محدود به جرائم جنگی است که در زمان جنگ دوم جهانی از سوی اتباع یا ساکنان استرالیا در اروپا ارتکاب یافته است. در هیچکدام از سه پرونده‌ای که به موجب این قانون اصلاح شده تشکیل گردید، حکم محکومیتی صادر نشده است. «واحد تحقیقات ویژه جرائم جنگی» که با ۵۰ کارمند اداره می‌شد در سال ۱۹۹۲ منحل گردید چنین بنظر می‌رسد که هیچ پرونده دیگری که مشمول این قانون باشد مطرح نخواهد شد.

وضعیت در مورد جرائم علیه بشریت و نسلکشی بدتر از این است. در تاریخ اول سپتامبر ۱۹۹۹ دادگاه فدرال استرالیا در

پرونده Nulyarimma v.Thompson چنین اعلام کرد که به دلیل فقدان قانون نمی‌توان هیچکس را به اتهام نسل‌کشی در دادگاه‌های استرالیا محاکمه کرد.

اتریش:

یک دادگاه district در سالزبورگ در تاریخ ۳۱ مه ۱۹۹۵ یک صرب بوسنیایی به نام Dusko Cvjetkovic را که از اتریش تقاضای پناهندگی کرده بود از اتهام نسل‌کشی مسلمانان بوسنی تبرئه کرد. ظاهراً تحقیقات مقدماتی این پرونده بسیار ضعیف انجام شده بود به نحوی که هیچکدام از ه شاهدی که قرار بود متهم را در دادگاه شناسایی نمایند در دادگاه حضور نیافتند. اما جالب توجه است که دیوان عالی کشور اتریش پذیرفت که دادگاه‌های اتریش صلاحیت رسیدگی به موضوع را داشته‌اند.

بلژیک:

بلژیک احتمالاً گسترده‌ترین و روزآمدترین قانونگذاری مربوط به اعمال

صلاحیت جهانی در رابطه با ... ❖ ۱۳۳

صلاحیت جهانی را داراست. قانون ۱۹۹۳ این کشور در مورد جرائم جنگی در منازعات مسلحانه بین‌المللی و داخلی قابل اجراست. این صلاحیت حتی در صورتی که متهم در قلمرو بلژیک نیز یافت نشود قابل اعمال است. به علاوه، قانون مزبور اخیراً به منظور توسعه شمار جرائمی که در مورد آنها اعمال می‌شود بازنگری شده است. این بازنگری که در سال ۱۹۹۹ انجام شد به دادگاه‌ها امکان می‌دهد که مرتکبان نسلکشی و جرائم علیه بشریت را مطابق با تعریفی که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است، مشمول اعمال صلاحیت جهانی قرار دهند. هیچ‌گونه مصونیت رسمی مانع اجرای این قانون نیست.

یک قاضی تحقیق در بروکسل تحقیقات گسترده‌ای در مورد جرائم ارتكابي در جریان منازعات داخلی رواندا انجام داد. بعضی از افراد متهم بودند که در قتل کلاه آبی‌های بلژیکی در رواندا نقش داشته‌اند. بعضی دیگر از متهمین بلژیکی‌هایی بودند که به نسلکشی در رواندا متهم بودند. در عین حال مواردی

نیز وجود داشت که بدون چنین ارتباطی با بلژیک در اجرای صلاحیت جهانی مورد رسیدگی قرار گرفت. قاضی تحقیق در اجرای قسمتی از تحقیقات خود ۴ مأموریت تحقیقاتی، ۳ مأموریت برای رواندا و یک مأموریت برای توگو و غنا ترتیب داد.

در تاریخ ۸ ژوئن ۲۰۰۱، دو نفر به نامهای آلفونسه هیجانیرو (Alphonse Higaniro) و وینسنت نتزیماننا (Vincent Ntezimana) و دو راهب کاتولیک به نامهای کانسولاتا موکانگانگو (Consolata Mukangango) و ژولین موکابوترا (Julienne Mukabutera) از سوی دادگاه بروکسل به اتهام شرکت در قتل‌های نسل‌کشی رواندا محکوم و به زندان‌های طویل‌المدت محکوم شدند.

کانادا:

با وجود اینکه در کانادا قوانین لازم برای تعقیب جرائم جنگی وجود دارد، هنوز کسی به دلیل ارتکاب جرائم سنگین حقوق بشری در خارج از کانادا محکوم نشده است. یکی از دلایل این امر آن است

صلاحیت جهانی در رابطه با ... ❖ ۱۳۵

که در سال ۱۹۹۴ در پرونده Imre Finta، دیوانعالی کشور کانادا با این استدلال که محکومیت مرتکبان جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت یک گزینه غیرواقعی بینانه است، از کنار دلایل به سادگی عبور کرد. دولت کانادا اعلام کرد که ترجیح می‌دهد مرتکبان جرائم سنگین حقوق بشری در کانادا را به جای محاکمه، از آن کشور اخراج نماید. این امر آشکارا با تعهداتی که کانادا به موجب کنوانسیون‌های ژنو و کنوانسیون منع شکنجه بعهدده دارد ناسازگار است. قانون مصوب سال ۲۰۰۰ در خصوص جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی که به موجب آنها اعمال صلاحیت جهانی در مورد اشخاصی که در کانادا هستند و متهم به نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی می‌باشند تجویز شده است می‌تواند به سیاست تعقیبی فعال‌تری کمک نماید.

دانمارک:

در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۹۴، یک صرب بوسنیایی بنام Refik Saric که از دانمارک درخواست پناهندگی کرده بود به دلیل

ارتكاب قتل و شکنجه ساكنين يك اردوگاه در بوسني به ۸ سال زندان محكوم شد. دادگاه تجديد نظر نيز اين محكوميت را تأييد كرد. دادگاههاي دانمارك به استناد مقررات ذيل خود را صالح به رسيدگي دانستند؛ مقررات مربوط به تخلفات مهم در مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ سومين كنوانسيون ژنو و مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ كنوانسيون چهارم ژنو به انضمام ماده (۵) ۸ قانون مجازات دانمارك كه به دادگاهها صلاحيت داده است تا مرتكبين برخي جرائم را در صورتي كه دانمارك به موجب معاهدهاي ملزم به انجام آن است محاكمه نمايند. شهادت ۳۹ نفر از كساني كه همراه متهم در مركز پناهندي دانمارك به سر مي بردند مبني بر اينكه آنان ديده اند كه وي چگونه با ساكنان اردوگاه مذکور بدرفتاري کرده است به تحقيقات پرونده كمك فراواني كرد. اما در عين حال عدم همكاري قضايي مقامات بوسني و كرواسي عليرغم درخواستهاي مكرر براي تعقيب متهمين، موجب كندي تحقيقات گرديد.

صلاحيت جهاني در رابطه با ... ❖ ۱۳۷

فرانسه:

دیوانعالی کشور فرانسه در تاریخ ۶ ژانویه ۱۹۹۸ پذیرفت که یک کشیش رواندایی مقیم فرانسه متهم به نسلکشی و جرائم علیه بشریت نسبت به پناهندگان توتسی رواندا، براساس صلاحیت جهانی در فرانسه تحت محاکمه قرار گیرد. دیوان پذیرفت که صلاحیت محاکمه چنین جرائمی از جمله ناشی از قانونی است که به موجب آن فرانسه متعهد شده است به قطعنامه ۹۵۵ شورای امنیت ترتیب اثر بدهد. تاکنون حکمی در ماهیت قضیه صادر نشده است.

در تاریخ سوم ژوئیه ۱۹۹۹ یک ستوان ارتش موریتانی به نام Ely Ould Dha که در فرانسه آموزش نظامی می‌دید به اتهام شکنجه زندانیان در زندان موریتانی در سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ دستگیر شد. موریتانی نسبت به این اعمال واکنش شدید نشان داد و همکاری‌های نظامی خود را با فرانسه قطع و مقررات اخذ روادید برای اتباع فرانسه برقرار نمود. متهم در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۹ آزاد شد،

تحقیقات معلق ماند و در نتیجه وی به موریتانی بازگشت. اما روند قانونی پرونده در غیاب وی ادامه دارد.

آلمان:

آلمان در میان دولتها، فعالترین کشور در اجرای صلاحیت جهانی در مورد جرائم سنگین حقوق بشری بوده است. دلیل عمده این امر حضور شمار فراوانی از پناه جویان یوگسلاوی سابق در قلمرو آلمان است. به موجب ماده (۹) ۶ قانون جزای آلمان، حقوق کیفری آلمان نسبت به اعمالی قابل اجراست که به موجب معاهده بین‌المللی آلمان ملتزم به تعقیب آنهاست ولو در شرایطی که در خارج از آلمان ارتکاب یافته باشد. به موجب ماده (۱) ۶ همین قانون، قوانین کیفری آلمان در مورد نسل‌کشی که در خارج از آلمان ارتکاب یافته قابل اجراست. اما اصرار دادگاه‌های آلمان مبنی بر این‌که می‌بایست رابطه‌ای بین متهم و آلمان - نظیر اقامت طولانی مدت یا اشتغال در آلمان - وجود داشته باشد تا محاکم آلمان بتوانند

صلاحیت جهانی در مورد موضوع را اعمال نمایند مایوس کننده است. (اما به موارد زیر نگاه کنید):

یکی از دادگاه‌های مونیخ در تاریخ ۲۳ مه ۱۹۹۷ شخصی به نام Novislav Djajic را به علت معاونت در ۱۴ فقره قتل مجرم شناخت و به ۵ سال زندان محکوم کرد. این متهم از جرم معاونت در نسلکشی تبرئه گردید.

یک دادگاه در دوسلدورف در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۷ شخصی به نام Nikola Jorgic رهبر سابق گروه نظامی صرب را به دلیل ۱۱ فقره نسلکشی مجرم شناخت و به حبس ابد محکوم کرد. دلیل توجه اتهام به او یک مصاحبه تلویزیونی که در آن وی نقش رهبری خود را تأیید می‌کرد و همچنین شهادت یک سلسله شاهدان عینی بر ما اجرا بود. دادگاه فدرال در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۹۹ این حکم را تأیید و تأکید کرد که دادگاه‌های آلمان بر اساس کنوانسیون نسلکشی صلاحیت رسیدگی به جرم را دارند، با توجه به اینکه موضوع ارتباط کافی با آلمان داشته، از جمله اینکه متهم مدت

طولانی در آلمان اقامت داشته است.
دیوانعالی فدرال آلمان در تاریخ ۱۲
دسامبر ۲۰۰۰ فرجام خواهی متهم نسبت به
این حکم را رد کرد.

همان دادگاه دوسلدورف در تاریخ ۲۹
نوامبر ۱۹۹۹، ماکسیم سوکولوویچ (Maksim
Sokolovic) را به دلیل رفتار خشن با
مسلمانان در صربستان به ۹ سال زندان
محکوم کرد. به نظر می‌رسد که دادگاه
تجدیدنظر در رأی مورخ ۲۱ فوریه ۲۰۰۱
خود برای اولین بار پذیرفته است که
برای اعمال صلاحیت جهانی نیاز به
هیچگونه ارتباطی با آلمان وجود ندارد.
همان دادگاه مونیخ که Novislav Djajic را
محکوم کرده بود در تاریخ ۱۵ دسامبر
۱۹۹۹، چهارمین صرب بوسنیایی بنام
Djuradi Kusljic را به اتهام نسلکشی به حبس ابد
محکوم کرد.

مکزیك:

در تاریخ ۱۲ ژانویه ۲۰۰۱، یک
دادگاه مکزیکی پذیرفت که یک افسر نظامی
سابق بنام ریکاردو میگوئل کواو الو (Ricardo

صلاحیت جهانی در رابطه با ... ❖ ۱۴۱

(Miguel Cavallo که متهم به ارتکاب اعمال وحشیانه در دوران دیکتاتوری نظامی در آرژانتین بود به اسپانیا مسترد شود. یک قاضی تحقیق اسپانیایی درخواست استرداد وی را نموده بود. موضوع اکنون در دادگاه تجدیدنظر تحت بررسی است.

هلند:

دیوان عالی کشور هلند در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۹۷ پذیرفت که یک صرب بوسنیایی مقیم هلند به نام دارکو کونیسویچ (Darko Knezevic) بر اساس صلاحیت جهانی در دادگاه نظامی هلند محاکمه شود. اتهام وی ارتکاب جرائم جنگی علیه مسلمانان در بوسنی و هرزگوین بود. دادگاه چنین اعلام کرد که صلاحیت محاکم هلند محدود به جرائمی نیست که در جریان جنگهایی که هلند در آن شرکت داشته اتفاق افتاده است. این موضع ابهامی را که در قانون جرائم جنگی هلند سال ۱۹۵۲ وجود داشت و از نظریات B.V.A. Röling قاضی هلندی در دادگاه توکیو الهام گرفته بود روشن ساخت. Röling بر این نظر بود که

کنوانسیون‌های ژنو اعمال صلاحیت جهانی را فقط در رابطه با دولتهای درگیر تجویز میکنند. رسیدگی به این پرونده هنوز وارد مرحله ماهوی نشده است.

در تاریخ ۲۰ نوامبر ۲۰۰۰، یک دادگاه در آمستردام دستور تعقیب Desi Bouterse فرمانده سابق ارتش سورینام را به دلیل شرکت در قتل‌های سیاسی که در سال ۱۹۸۲ در سورینام اتفاق افتاد صادر کرد. این موضوع از آن جهت قابل توجه است که قانون سال ۱۹۸۲ هلند هنوز امکان اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم علیه بشریت و شکنجه را تجویز نکرده بود.

سنگال:

یک دادگاه منطقه‌ای داکار در تاریخ ۳ فوریه ۲۰۰۰ رئیس‌جمهور سابق چاد Hissein Habré را به اتهام شکنجه محکوم و بازداشت نمود. به نظر می‌رسد که این اولین بار است که در یک کشور آفریقایی شخصی را که متهم به ارتکاب جرائم حقوق بشری است به پای میز محاکمه می‌برند. با

صلاحیت جهانی در رابطه با ... ❖ ۱۴۳

این وجود در تاریخ ۴ ژوئیه ۲۰۰۰، پس از مداخله رئیس جمهور سنگال در ماجرا، دادگاه دیگری اعلام عدم صلاحیت کرد و در تاریخ ۲۰ مارس ۲۰۰۱، دیوان عالی سنگال اعلام نمود که به علت فقدان قانونگذاری داخلی که صلاحیت جهانی را در رابطه با شکنجه تجویز نماید آقای هابره نمی‌تواند در سنگال محاکمه شود.

اسپانیا:

در تاریخ ۴ و ۵ نوامبر ۱۹۹۸ دادگاه ملی اسپانیا پذیرفت که دادگاه‌های اسپانیا می‌توانند متهمین به ارتکاب نسلکشی در آرژانتین و شیلی را محاکمه نمایند. اگرچه دادگاه ابتدا در اجرای اصل حمایت از اتباع - با توجه به اینکه بسیاری از قربانیان اتباع اسپانیا بودند - وارد رسیدگی شد اما دادگاه صلاحیت خود را براساس اصل صلاحیت جهانی مبتنی کرد. این پرونده راه را برای صدور دستگیری بین‌المللی ژنرال پینوشه بازکرد. این دستور را قاضی گارزون (Garzón) صادر نمود.

سویس:

يك دادگاه نظامي در لوزان سویس در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۹۷ یکی از صربهای بوسنی به نام گوران گرابز (Goran Grabez) را که از سویس درخواست پناهندگی کرده بود و به ارتکاب جرائم گوناگونی در رابطه با اردوگاههای بوسنی و هرزگوین متهم بود تبرئه کرد. به نظر دادگاه دلایل کافی بر این که متهم در زمان جنایات در اردوگاهها بوده است وجود نداشت. اما دادگاه پذیرفت که به موجب ماده ۱۰۹ قانون نیروهای مسلح سویس صلاحیت رسیدگی به موضوع را داشته است. همین دادگاه در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۹۹ یکی از اتباع رواندا به نام فولگنس نیونتز (Fulgence Niyonteze) را که از سویس درخواست پناهندگی کرده بود به اتهام قتل، شروع به قتل، تشویق به قتل و جرائم جنگی ارتکابی در قلمرو رواندا در سال ۱۹۹۴ به حبس ابد محکوم کرد. این اولین باری بود که یکی از اتباع رواندا در رابطه با نسلکشی در رواندا از سوی يك دادگاه

صلاحیت جهانی در رابطه با ... ❖ ۱۴۵

اروپایی محکوم می‌شد. البته دادگاه به اتهامات نسل‌کشی و جرائم علیه بشریت رسیدگی نکرد زیرا این جرائم مطابق حقوق سویس مشمول صلاحیت جهانی نمی‌شوند. شاهدان ماجرا از رواندا به لوزان سویس منتقل شدند تا بتوانند در جریان محاکمه شهادت خود را ارائه نمایند. قبل از شروع محاکمه، دادگاه از رواندا بازدید به عمل آورد تا شهادت شاهدانی را که نمی‌خواستند یا نمی‌توانستند به سویس عزیمت نمایند استماع نماید. حکم صادره در مرحله تجدید نظر به ۱۴ سال زندان تخفیف یافت.

انگلستان:

یک پزشک سودانی به نام محمد احمد محجوب (Mohammed Ahmed Mahgoub) که در اسکاتلند اقامت داشت در سپتامبر ۱۹۹۷ دستگیر و به اتهام مذکور در بخش ۱۳۴ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸ یعنی شکنجه در یک بازداشتگاه مخفی در سودان محاکمه شد. بخش ۱۳۴ این قانون نحوه اجرای کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل را

مشخص نموده است. در ماه مه ۱۹۹۹ ظاهراً
بلحاظ فقد دلیل پرونده مختومه شد.
در تاریخ اول آوریل ۱۹۹۹، آنتونی
سائونیوک (Anthony Sawoniuk) ۷۸ ساله در
لندن به اتهام ارتکاب قتل دو یهودی
در سال ۱۹۴۲ در منطقه ای که اکنون بلاروس
نامیده می شود به حبس ابد محکوم شد. این
اولین و تنها رأی محکومیتی است که در
اجرای قانون جرائم جنگی سال ۱۹۹۱ صادر
شده است. براساس این قانون، اتباع
انگلستان یا ساکنان این کشور که مرتکب
برخی جرائم جنگی در آلمان یا آلمان
اشغالی در زمان جنگ دوم جهانی شده اند
تحت تعقیب قرار می گیرند. قانون مزبور
علیرغم عنوان وسیعی که دارد شامل
محدوده بسیار مضیقی از نظر زمان و مکان
می گردد. واحد ویژه ای از پلیس به منظور
تحقیق در مورد پرونده های مربوطه تشکیل
شده است.

ایالات متحده :

صلاحیت جهانی در رابطه با ... ❖ ۱۴۷

در ایالات متحده، اصل صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری که در خارج ارتکاب می‌یابد با توجه به قانون Claims Alien Tort و قانون حمایت از قربانیان شکنجه از جنبه حقوق مدنی موفقیت‌های چشمگیری داشته است. در عین حال مبنای قانونی برای اعمال صلاحیت جهانی در امور کیفری فقط برای شکنجه وجود دارد و تاکنون نیز پرونده‌ای در رابطه با این موضوع مطرح نشده است. قانون جرائم جنگی سال ۱۹۹۶ به دادگاهها صلاحیت رسیدگی به تخلفات مهم از کنوانسیون‌های ژنو را تنها براساس اصل تابعیت مجرم یا تابعیت قربانی - و نه صلاحیت جهانی - داده است.